



مشاور امنیت ملی:

حکومت موقت به معنای ایجاد فرصت دائمی برای مداخله خارجی ها است

اطلاعات روز: حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور می گوید که تشکیل «حکومت موقت» در افغانستان به معنای ایجاد فرصت دائمی برای مداخله کشورهای خارجی است...

صفحه ۲

تقدیرگرایی و تکرار مداوم فاجعه

صفحه ۴

«رایزنی» و ابرت مالی با مقام های سه کشور اروپایی درباره برجام



صفحه ۶

راه حل های تعمیر ناشونده و شکست خورده^(۱)

صفحه ۸

یادداشت روز

کشتن شهروندان و زبان درازی

بر اساس گزارش ها در تیراندازی پولیس بر غیرنظامیان حدود ۱۰ نفر کشته و ۲۰ نفر دیگر زخمی شده اند. پولیس حافظ جان شهروندان است. هیچ توجیهی پذیرفتنی نیست که پولیس بر معترضان شلیک کند. هیچ حکومتی با شهروندان چنین نمی کند. این کار مغایر آزادی های سیاسی، مدنی و ارزش های حقوق بشری است. وقتی پولیس پا از قانون فراتر می نهد و معترضان را سرکوب می کند، اولین پیامد آن مخدوش شدن چهره نیروهای امنیتی، به ویژه پولیس در افکار عمومی است. دومین پیامد این حادثه هولناک، باعث فوران خشم و نارضایتی عمومی خواهد شد. سرکوب معترضان با تفنگ برای حکومت، به ویژه رئیس جمهور غنی مایه شرمساری بزرگی است. حکومت ضعیف و غرق در بحران که مدعی جمهوریت است، باید با مدارا و عقلانیت بیشتری با مردم روبه رو شود.

گفته های شاهدان عینی و برخی نمایندگان مردم از آنچه در بهسود رخ داده تکان دهنده است. نه تنها نیروهای امنیتی با گردهمایی مسالمت آمیز مردم با خشونت رفتار کرده که به گفته منابع و...

۲



مشاور رئیس جمهور:

طالبان در مقابل اقدامات دولت برای تأمین صلح، هیچ قدمی برنداشته اند

صفحه ۲

سه غیر نظامی در انفجار ماین کنار جاده ای در قندهار کشته شدند



صفحه ۲

۳۳ جنگ جو و مسئول کمیسیون نظامی طالبان برای «ناوه» می هلمند کشته شدند

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی می گوید که در نتیجه عملیات زمینی و هوایی نیروهای دولتی در ولسوالی ناهوی ولایت هلمند...

صفحه ۲

درگیری میان افراد مسلح غیرمسئول در بدخشان؛ شش نفر کشته شدند



صفحه ۲

حملات پهبادی؛ تاکتیک تازه ی جنگ روانی طالبان

طالبان در سال های اخیر به استفاده از پهبادهای تجاری کوچک برای مأموریت های اکتشافی و تولید پروپاگاندای تصویری از جریان حملات شان رو آورده اند. اما حالا طالبان از این پرنده های هدایت پذیر از راه دور به عنوان سلاحی جدید علیه نیروهای امنیتی افغانستان نیز استفاده می کنند.

جنگجویان طالبان با استفاده از تاکتیک گروه افراطی داعش در عراق و سوریه، پهبادهای ارزان قیمت و قابل خرید از بازار را با مواد منفجره مسلح می کنند و بر روی اهداف مورد نظرشان پرتاب می کنند. | صفحه ۴

تولش



کهنگی پول، نان و جنگ چگونه بانکوت های فرسوده برای شماری درآمد و برای بسیاری مایه دعا است؟

شاید کمتر کسی بانکوت های کهنه را در دادوستدهای روزانه شان قبول کنند. برای خیلی ها نیز کهنگی پول گاهی بهانه ی دعا است. اما هستند کسانی از همین «کهنگی پول» نان می خورند. | صفحه ۵

۳

چرا نیروهای امنیتی با مردم ولسوالی حصه اول بهسود میدان وردک درگیر شدند؟

در تاریخ ۲۳ جدی فرماندهان پولیس چند ولسوالی از جمله ولسوالی های حصه اول بهسود و بهسود مرکزی ولایت میدان وردک معرفی و آنان به کار آغاز می کنند. این فرماندهان جدید ولسوالی ها از سوی الله داد فدایی، فرمانده پولیس میدان وردک و با حضور ده ها نیروی امنیتی معرفی می شوند. پس از مراسم معرفی، این نیروها همچنان در ساحه می مانند و این امر «نگرانی ها و پرسش ها» بی را نزد مردم این ولسوالی ها خلق می کند. روز جمعه مردم محل در نشست با نیروهای امنیتی می خواستند دلیل حضور این تعداد نیروهای امنیتی در ولسوالی امن بهسود را بپرسند که پس از ختم جلسه تنش میان دو طرف بالا می گیرد و منجر به درگیری می شود. سخن گوی نیروهای خیزش مردمی و یکی از معترضان در صحبت با اطلاعات روز می گویند که مردم می خواستند...

تولش



بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

شاهدان عینی پولیس موی‌سفیدان و معترضان را گروگان گرفته و حتا در ساعات اولیه به نیروهای امدادی اجازه کمک به زخمیان حادثه داده نشده است. اگر ثابت شود که نیروهای امنیتی با مردم چنین کرده، مصداق جنایت انسانی است. بنابراین رویداد بهسود باید دقیق و موşkافانه بررسی شود. حکومت از اعزام هیأت حقیقت‌یاب خبر داده است. کار هیأت نباید سرپوش گذاشتن بر این رویداد باشد. هر بار جنایتی در افغانستان اتفاق افتاده حکومت برای بررسی آن هیأت فرستاده است. این کار حکومت به‌جای تأمین عدالت، بیشتر سرپوش گذاشتن بوده است. به عبارت دیگر، حکومت پیشینه‌ی ناکام در امر «حقیقت‌یابی» دارد. در ترکیب هیأت باید از نهادهای بی‌طرف و حقوق‌بشری افغانستان نیز دخیل باشند. زیرا در این رویداد حکومت یک طرف ماجرا است.

اتهام‌بستن به معترضان که اعتراض حق شهروندی‌شان است، راه درستی برای توجیه خطا نیست. سخن‌گوی وزارت داخله در اولین ساعاتی که هنوز ابعاد ماجرا روشن نبود معترضان را افراد مسلح غیرمسئول خوانده و تقصیر را به گردن شهروندان انداخته است. شنیدن این سخن از مرجعی که مسئولیت حفظ جان شهروندان را دارد عجولانه و تقلا برای توجیه یک خطا به‌نظر می‌رسد و این تردید را در ذهن مخاطب به‌وجود می‌آورد که حادثه بهسود یک خطای نظامی نه که یک برنامه‌ی از قبل طراحی‌شده برای خلق بحران از طرف حکومت یا دست‌کم حلقاتی در داخل حکومت بوده است. وگرنه در زمانی که هیچ چیز روشن نیست و واقعیت تنها جنازه‌های غیرنظامیان و زخمی‌ها در وسط حادثه است، چگونه وزارت داخله دریافته است که معترضان افراد مسلح غیرمسئول و کار آن‌ها آشوب بوده‌اند. آیا این به معنای کشتن شهروندان و زبان‌درازی نیست؟

این اولین‌باری نیست که یک اعتراض شهروندی در افغانستان با قوه قهریه سرکوب می‌شود. دست‌کم در پنج سال گذشته بارها گردهمایی‌های شهروندان با خشونت نیروهای امنیتی مواجه و حرکت‌های مدنی با سرکوب خون‌بار روبه‌رو شده‌اند. نمونه‌اش سرکوب و به خون‌کشیدن جنبش روشنائی، رستاخیز تغییر، جنبش تبسم و اعتراض مردم در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی در اعتراض به تجاوز پولیس بر یک زن است. پولیس تحت هیچ شرایطی حق ندارد در برابر تجمعات اعتراضی مردم از خشونت و زور کار گیرد. پولیس مسئول تأمین امنیت تجمعات اعتراضی است. براساس قانون شیوه‌ی برخورد پولیس با معترضان هم روشن است.

حکومت به صدای شهروندان باید گوش دهد. آن‌ها چه می‌گویند؟ چرا معترض‌اند؟ حالا که این فاجعه بار دیگر دام بزرگی برای حکومت افغانستان افکنده بحث اول رسیدگی درست و فوری به سرکوب اعتراض‌های مردمی و دوری حکومت از ماجراجویی است. همچنین نیاز است عامل فیر و دستوردهنده در مطابقت با قانون مورد بازپرسی قرار گیرد؛ هرچند می‌دانیم که اصل مکافات و مجازات در پولیس امر فراموش‌شده است. دلجویی از خانواده‌های قربانیان و اقدام مسئولانه برای درمان زخمیان این حادثه نیز مهم است.

ادامه بی‌توجهی به خواست معترضان که یکی از ویژگی‌های حکومت کنونی است، سرکوب خون‌بار حرکت‌های اعتراضی و مدنی برای جمهوری اسلامی که از بی‌اعتمادی گسترده‌ی شهروندان رنج می‌برد و از طرف دیگر، ناامنی سراسر کشور را به‌صورت مستقیم تهدید می‌کند، بیکاری و ناتوانی اقتصادی مردم را به زانو درآورده، فساد و قانون‌شکنی روان مردم را آزرده است، دمیدن بر آتش بحران برای حکومت و در رأس آن رییس‌جمهور غنی روزهای دشوارتری رقم خواهد زد. حکومت راهی جز نزدیکی و پناهن‌آوردن به دامن مردم ندارد.



اطلاعات روز: وحید عمر، مشاور ارشد رییس‌جمهور اشرف غنی و رییس عمومی اداره‌ی ارتباطات عامه و استراتژیک ریاست‌جمهوری می‌گوید که طالبان هنوز قدمی به‌منظور نشان‌دادن نیت‌شان برای تأمین صلح در کشور برنداشته‌اند. آقای عمر که دیروز (شنبه، ۱۱ دلو) در یک نشست خبری در کابل صحبت می‌کرد، گفت: «ما به عنوان نظام و دولت مشروع افغانستان، چندین قدم برداشتم به خاطر رسیدن به یک صلح پایدار و یک صلح با عزت. [اما] هیچ قدم‌های ما از جانب مقابل (طالبان) با گذاشتن یک قدم استقبال نشد.»

او افزود که دولت افغانستان هر قدمی که برای تأمین صلح برداشته، جانب طالبان «شرط‌ها» و «تهدیدات» بیشتری را هم مطرح کرده است. مشاور رییس‌جمهوری کشور تأکید کرد که این موضوع برای مردم افغانستان و جهان آشکار است. او گفت که طالبان هیچ‌گونه اقدامی را که نشان‌دهنده نیت این گروه برای تأمین صلح باشد، نیز اتخاذ نکرده‌اند.

در همین حال، وحید عمر صلح را خواست برحق مردم افغانستان خوانده، تأکید کرد که نخستین گام برای نشان‌دادن نیت صلح،

قبول آتش‌بس است. او تأکید کرد هر کسی که نیت صافانه برای تأمین صلح دارد، در نخست باید به کشتن مردم افغانستان، تخریب تأسیسات عامه و تهدید بیشتر مردم افغانستان پایان دهد.

از سویی هم، آقای عمر گفت که افغانستان امروز با افغانستان ۲۰ سال قبل در دوره‌ی طالبان، تفاوت زیاد پیدا کرده و طالبان باید با افغانستان «نو» کنار بیایند. او به‌صورت ضمنی با اشاره به سخنان دو روز پیش شیرمحمدعباس استانکزی، معاون سیاسی دفتر این گروه در قطر گفت که طالبان طرح‌هایی را که در تاریخ محکوم شده، نباید دوباره ارایه کند.

او تأکید کرد که تمامی راه‌های برگشت به گذشته هم از طریق جنگ و هم از طریق «معامله» مسدود است و این برگشت مقدور نیست.

مشاور رییس‌جمهور گفت که مردم افغانستان خواهان صلحی است که در نتیجه‌ی آن، نظام سیاسی و ارزش‌های جدید افغانستان حفظ شود. او افزود که مردم افغانستان به‌خاطر حفظ این ارزش‌ها تا امروز قربانی داده‌اند و در «میدان صلح» نیز آماده‌اند که قربانی

بدهند؛ طوری که به گفته‌ی وحید عمر، برآیند صلح باعث استحکام نظام، دموکراسی، کثرت‌گرایی و مراجعه به آرای مردم افغانستان به‌خاطر انتخاب زعامت بینجامد.

همچنان او افزود که هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان دو هفته است که منتظر آغاز مذاکرات با طالبان است، اما این گروه هیچ علاقه‌ای به پیشبرد مذاکرات ندارد.

آقای عمر درحالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که شیرمحمدعباس استانکزی، معاون سیاسی دفتر طالبان در قطر دو روز پیش در یک کنفرانس خبری در مسکو گفته بود که اگر اشرف غنی سر از امروز از جنگ دست بردارد و اعلام کند که از قدرت کنار می‌رود، طالبان نیز حاضر است با حکومت جدید کار کند.

استانکزی همچنان گفته است که اگر مذاکرات صلح به موفقیت برسد و صلح در افغانستان تأمین شود، حکومت اشرف غنی از بین می‌رود و یک حکومت جدید اسلامی تشکیل می‌شود.

به گفته‌ی او، اشرف غنی به صلح صادق نیست و به‌خاطر ترس از ایجاد یک حکومت

طالبان در مقابل اقدامات دولت برای تأمین صلح، هیچ قدمی برنداشته‌اند

مشاور رییس‌جمهور:

اسلامی جدید، در برابر صلح سنگ‌اندازی می‌کند.

ساعتی پس از این اظهارات شیرمحمدعباس استانکزی، ارگ ریاست‌جمهوری به آن واکنش نشان داد. دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری در توییتی نوشته بود که دوره‌ی کار رییس‌جمهور را قانون اساسی تعیین کرده است.

او افزوده بود که رییس‌جمهور کنونی پس از تکمیل دوره‌ی کار خود قدرت را به کسی می‌سپارد که براساس آرای مردم انتخاب شده باشد.

از سویی هم، این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دو طرف در شهر دوحه، پایتخت قطر برای انجام مذاکرات حضور دارند. هفته‌ی گذشته، نادر نادری، سخن‌گوی هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان گفته بود که هیأت مذاکره‌کننده‌ی گروه طالبان چندین روز است که آماده‌ی برگزاری نشست رسمی و بحث برای ختم جنگ نشده است. ناحیه انوری، سخن‌گوی وزارت دولت در امور صلح نیز دیروز گفته است که جانب طالبان هنوز آماده‌ی نشستن به میز مذاکره با هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان نیست.

درگیری میان افراد مسلح غیرمسئول در بدخشان؛ شش نفر کشته شدند

صیغ‌الله اند.

آقای روحانی افزود که در جریان این درگیری، سه فرد دیگر مسلح غیرمسئول نیز زخمی شده‌اند.

او دلیل وقوع درگیری میان دو طرف را اختلاف شخصی عنوان کرد.

از سویی هم، سخن‌گوی فرماندهی پولیس بدخشان تأکید کرد که در جریان درگیری‌ها میان آنان، به غیرنظامیان آسیبی نرسیده است.

مشاور امنیت ملی:

حکومت موقت به معنای ایجاد فرصت دایمی برای مداخله‌ی خارجی‌ها است

شده باشد.

از سویی هم، این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دو طرف در شهر دوحه، پایتخت قطر برای انجام مذاکرات حضور دارند. هفته‌ی گذشته، نادر نادری، سخن‌گوی هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان گفته بود که هیأت مذاکره‌کننده‌ی گروه طالبان چندین روز است که آماده‌ی برگزاری نشست رسمی و بحث برای ختم جنگ نشده است. ناحیه انوری، سخن‌گوی وزارت دولت در امور صلح نیز دیروز گفته است که جانب طالبان هنوز آماده‌ی نشستن به میز مذاکره با هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان نیست.

همچنان هم‌زمان با این گفت‌وگوها، شماری از چهره‌های سیاسی نیز بحث تشکیل حکومت موقت را مطرح کرده است. اما مقام‌های ارشد دولت افغانستان از جمله رییس‌جمهور غنی و معاونان او با طرح تشکیل حکومت موقت مخالفت کرده و بر تقویت نظام جمهوری و انتقال قدرت از طریق انتخابات تأکید کرده‌اند.



اسلامی جدید، در برابر صلح سنگ‌اندازی می‌کند.

ساعتی پس از این اظهارات شیرمحمدعباس استانکزی، ارگ ریاست‌جمهوری به آن واکنش نشان داد. دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری در توییتی نوشته بود که دوره‌ی کار رییس‌جمهور را قانون اساسی تعیین کرده است.

او افزوده بود که رییس‌جمهور کنونی پس از تکمیل دوره‌ی کار خود قدرت را به کسی می‌سپارد که براساس آرای مردم انتخاب

خبری در مسکو گفته بود که اگر اشرف غنی سر از امروز از جنگ دست بردارد و اعلام کند که از قدرت کنار می‌رود، طالبان نیز حاضر است با حکومت جدید کار کند.

استانکزی همچنان گفته است که اگر مذاکرات صلح به موفقیت برسد و صلح در افغانستان تأمین شود، حکومت اشرف غنی از بین می‌رود و یک حکومت جدید اسلامی تشکیل می‌شود.

به گفته‌ی او، اشرف غنی به صلح صادق نیست و به‌خاطر ترس از ایجاد یک حکومت

اطلاعات روز: حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور می‌گوید که تشکیل «حکومت موقت» در افغانستان به معنای ایجاد فرصت دایمی برای مداخله‌ی کشورهای خارجی است.

آقای محب دیروز (شنبه، ۱۱ دلو) در رشته‌توییتی همچنان گفته است که دیگر فرصتی برای تطبیق برنامه‌های خارجی در کشور نیست و مردم افغانستان اکنون ارزش‌های مردم‌سالاری را درک کرده‌اند.

او تأکید کرده است آنانی که با وجود مذاکرات صلح، دست از جان و مال مردم برنداشته‌اند، «باید بدانند که ملت ما ارزش مردم‌سالاری و اهمیت نظام را فهمیده‌اند.»

آقای محب افزوده است که اگر طالبان از مشروعیت مردمی و دینی برخوردار بودند، مذاکرات بین‌الافغانی براساس آتش‌بس پیش می‌رفت.

مشاور امنیت ملی در حالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که دو روز پیش، شیرمحمدعباس استانکزی، معاون سیاسی دفتر طالبان در قطر در یک کنفرانس

سه غیرنظامی در انفجار ماین کنارجاده‌ای در قندهار کشته شدند

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت قندهار تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی انفجار ماین کنارجاده‌ای در ولسوالی پنجوایی این ولایت، سه غیرنظامی کشته شده‌اند.

جمال ناصر بارکزی، سخن‌گوی فرماندهی پولیس قندهار به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۱۰:۳۰ صبح دیروز (شنبه، ۱۱ دلو) در منطقه‌ی «صالحان چمن» ولسوالی پنجوایی رخ داده است.

به گفته‌ی او، یک کودک نیز در جمع کشته‌شدگان است.

آقای بارکزی افزود که این رویداد ناشی از برخورد یک عراده واسطه‌ی «زرنج» حامل این افراد با ماین کنارجاده‌ای بوده است.

او تأکید کرد که این ماین توسط جنگ‌جویان گروه طالبان جاسازی شده بود.

این گروه هنوز چیزی در این مورد نگفته است.

ولایت قندهار در جنوب کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت از جمله ولسوالی پنجوایی حضور و فعالیت گسترده دارند. طالبان اخیرا به حملات‌شان در این ولایت شدت بخشیده است.

۳۳ جنگ‌جو و مسئول کمیسیون نظامی طالبان برای «ناوه»ی هلمند کشته شدند

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی می‌گوید که در نتیجه‌ی عملیات زمینی و هوایی نیروهای دولتی در ولسوالی ناوه‌ی ولایت هلمند، ۳۴ جنگ‌جوی گروه طالبان کشته شده‌اند.

در خبرنامه‌ای که دیروز (شنبه، ۱۱ دلو) از سوی وزارت دفاع به نشر رسیده، آمده است که «عبدالولی» مشهور به «مجاهد»، مسئول کمیسیون نظامی طالبان و «مولوی عتیق‌الله» مشهور به «بلال»، معاون قطعه‌ی سرخ این گروه برای ولسوالی ناوه نیز در جمع کشته‌شدگان اند.

همچنان به نقل از خبرنامه، در جریان این عملیات هوایی و زمینی نیروهای دفاعی و امنیتی، سه عراده وسایط و ۲۸ میل سلاح مختلف این جنگ‌جویان طالبان از بین برده شده است.

گروه طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته است.

ولایت هلمند در جنوب کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان طالبان در بخش‌هایی از این ولایت حضور و فعالیت گسترده دارند. گروه طالبان در چند ماه گذشته حملات‌ش را به این ولایت شدت بخشیده است.

چرا نیروهای امنیتی با مردم ولسوالی حصه اول بهسود میدان وردک درگیر شدند؟

عصمت‌الله سروش

گزارشگر

در تاریخ ۲۳ جدی فرماندهان پولیس چند ولسوالی از جمله ولسوالی‌های حصه اول بهسود و بهسود مرکزی ولایت میدان وردک معرفی و آنان به کار آغاز می‌کنند. این فرماندهان جدید ولسوالی‌ها از سوی الله‌داد فدایی، فرمانده پولیس میدان وردک و با حضور ده‌ها نیروی امنیتی معرفی می‌شوند. پس از مراسم معرفی، این نیروها همچنان در ساحه می‌مانند و این امر «نگرانی‌ها و پرسش‌ها»ی را نزد مردم این ولسوالی‌ها خلق می‌کند. روز جمعه مردم محل در نشستی با نیروهای امنیتی می‌خواستند دلیل حضور این تعداد نیروهای امنیتی در ولسوالی امن بهسود را بپرسند که پس از ختم جلسه تنش میان دو طرف بالا می‌گیرد و منجر به درگیری می‌شود. سخن‌گوی نیروهای خیزش مردمی و یکی از معترضان در صحبت با اطلاعات روز می‌گویند که مردم می‌خواستند دلیل حضور این تعداد نیروی امنیتی «تا به دندان مسلح» را در ولسوالی امن بهسود بدانند، اما از سوی نیروهای امنیتی هدف گلوله قرار گرفتند.

آنچه به نظر می‌رسد مردمان معترض و حامیان جنبش مقاومت به فرماندهی عبدالغنی علی‌پور نگران بوده‌اند که حضور این تعداد نیروهای امنیتی برای بازداشت علی‌پور نباشد. چون حکومت پیش از این چند بار اقدام به بازداشت علی‌پور کرده بود. صدها تن که روز جمعه تظاهرات کرده بودند با حضور نیروهای امنیتی در ولسوالی‌های بهسود موافق نبوده‌اند و می‌خواستند که این نیروها منطقه را ترک کنند. اما در جریان گفت‌وگو و تظاهرات تنش‌ها بالا گرفته و منجر به درگیری می‌شود. مهدی‌راسخ، نماینده میدان وردک در مجلس نمایندگان روز شنبه، ۱۱ دلو در گردهمایی در کابل گفت که نیروهای امنیتی در ولسوالی‌های حصه اول بهسود و بهسود مرکزی اقدامات تحریک‌آمیز داشته و در نشست‌های با مردم گفته‌اند که با علی‌پور «حساب و کتاب» دارند. آقای راسخ افزود که مردم با تجربه از دو اقدام پیشین حکومت علیه علی‌پور، نگران بودند و روز جمعه در مقابل ولسوالی حصه اول بهسود جمع شدند.

در قطع‌نامه‌ی گردهمایی برخی از باشندگان کابل و نمایندگان مناطق مرکزی در مجلس آمده است: «قومندان امنیه ولایت میدان وردک با شماری زیادی از نیروهای مسلح از روزهای پیش بدین سو به این ساحه رفته و هدف‌شان را به مردم معرفی قومندانان امنیه ولسوالی‌های بهسود گفته است. باوجودی که این کار صورت گرفته، اما حضور نیروهای مسلح دولتی به هدف نا معلوم در آن ساحه همچنان ادامه دارد. مردم به‌خاطر رفع نگرانی‌های‌شان روز جمعه در یک تجمع اعتراضی مسالمت‌آمیز خواهان وضاحت در مورد حضور نیروهای امنیتی در ساحه شده بودند، که متأسفانه با شلیک گلوله پاسخ داده شد.»

در جریان ۲۰ روز گذشته نشست‌های متعدد میان مردم و نیروهای امنیتی برگزار شده بود تا به یک نتیجه برسند، اما این نشست‌ها نتیجه نداد و در نهایت منجر به درگیری روز جمعه شد. هفته‌ی گذشته یک هیأت از مجلس نمایندگان به بهسود رفته بود تا میان دو طرف میانجی‌گری کند، اما این هیأت نیز مشکل را حل نتوانست. مهدی‌راسخ که در جمع چهار نماینده اعزامی به بهسود بوده، می‌گوید که این هیأت با مردم، نیروهای امنیتی و علی‌پور صحبت کرد. به گفته‌ی او، نیروهای امنیتی به هیأت گفته که از طرف شورای امنیت دستور دارد که در ساحه بمانند: «گفتم که اگر موضوعی با جبهه مقاومت و علی‌پور دارید، برای ما طرح کنید که حل کنیم. به ما گفت که با شورای امنیت گپ بزنید. چند روز بعد با وزیر داخله جلسه گرفتیم و او نیز گفت که با شورای امنیت صحبت کنید.»

یک روز پس از درگیری، حوالی ساعت ۱۰ قبل‌ازظهر شنبه، دقایقی میان نیروهای امنیتی و نیروهای خیزش مردمی و جبهه مقاومت درگیری رخ داد که تلفاتی در پی نداشت.



تناقض در آمار تلفات و هویت کشته‌شده‌ها

تاکنون آمارهای ضد و نقیض از تلفات درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی و هویت کشته‌شده‌ها ارائه شده است. وزارت داخله می‌گوید که افراد کشته‌شده از افراد مسلح مربوط به علی‌پورند، اما سخن‌گوی جبهه مقاومت، یک معترض و شماری از نمایندگان مناطق مرکزی می‌گویند که معترضان همه غیرنظامی بودند و کشته‌شده‌ها نیز غیرنظامی‌اند.

پس از درگیری، وزارت داخله‌ی کشور اعلام کرد که یک هیأت به‌منظور بررسی همه‌جانبه‌ی رویداد ولسوالی بهسود ولایت میدان‌وردک اعزام می‌شود. طارق آرین، سخن‌گوی وزارت داخله گفت که در نتیجه‌ی درگیری میان افراد مسلح مربوط به علی‌پور و نیروهای امنیتی «۹ تن از افراد مسلح علی‌پور کشته و ۷ تن آن‌ها» زخمی شدند و شماری از نیروهای امنیتی و پنج تن از مردم محل نیز زخمی شده‌اند.

آقای آرین افزوده بود که رهبری فرماندهی پولیس ولایت میدان‌وردک از چند روز به این طرف به‌خاطر معرفی فرماندهان جدید پولیس برای ولسوالی‌های حصه اول و دوم بهسود و تحکیم پاسگاه‌های پولیس به این دو ولسوالی رفته بود. به گفته‌ی آقای آرین «افراد مسلح غیرمسئول وابسته به علی‌پور با حضور در این ساحات مانع حضور و فعالیت نیروهای امنیتی و پولیس شده‌اند. او افزوده بود که روز جمعه شماری از افراد علی‌پور در مقابل تعمیر ولسوالی بهسود تجمع کرده بودند و بالای نیروهای امنیتی و مردم انداخت مسلحانه کردند. آرین افزوده بود که پولیس به‌منظور کنترل وضعیت دست به فیرهای هوایی زده و ۶۸ تن از افراد «مسلح غیرمسئول» را بازداشت کرده است. آرین گفته است که وضعیت در حال حاضر زیر کنترل پولیس قرار دارد.

روح‌الله نوری، یکی از معترضان و شاهد عینی در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید معترضان که تعدادشان در حد ۸۰۰ تن می‌رسید، همه غیرنظامی بودند و کسانی که کشته شدند نیز غیرنظامی بودند. آقای نوری می‌افزاید که مردم می‌خواستند از نیروهای امنیتی بپرسند که پس از معرفی فرمانده پولیس، دلیل حضور آن‌ها در این ولسوالی چیست. او ادعا می‌کند نیروهای امنیتی که شمارشان به ده‌ها تن می‌رسد در مدت حضور ۲۰ روزه‌شان در ولسوالی حصه اول بهسود دست به آزار و اذیت مردم می‌زنند و در مسیر راه‌ها ایست‌های بازرسی ایجاد کرده‌اند.

مهدی‌راسخ می‌گوید که روز جمعه مردم و موسفیدان طی یک نشست با نیروهای امنیتی به فرماندهی فرمانده پولیس میدان وردک می‌خواستند از آن‌ها بپرسند که دلیل حضورشان در این ولسوالی چیست. به گفته‌ی او، زمانی که موسفیدان از جلسه خارج شدند و در میان مردم رفتند، نیروهای امنیتی گلوله‌باری به مردم عام و غیرنظامی را آغاز کردند. آقای راسخ افزود که در پی شلیک نیروهای امنیتی، ۱۱ غیرنظامی به‌شمول

کودکان کشته، ۲۵ نفر زخمی و بیش از ۱۵۰ غیرنظامی و موسفیدان محل گروگان گرفته شده‌اند: «سه ساعت زخمی‌ها در روی سرک ماندند و اجازه ندادند که زخمی‌ها انتقال داده شود. امبولانس را گروگان گرفتند. بیش از ۱۵۰ موسفید و متنفذ قومی گروگان گرفته شده‌اند که تاکنون در گروگان‌اند و هیچ کدام‌شان مسلح نیستند.»

محمدحسین توانا، سخن‌گوی جبهه مقاومت در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید حدود ۲۰ غیرنظامی از سوی نیروهای امنیتی کشته شده‌اند که هیچ‌کدام‌شان نظامی نیستند و عضویت جبهه مقاومت را ندارند. آقای توانا می‌افزاید که بیش از صد غیرنظامی دیگر از سوی نیروهای امنیتی گروگان گرفته شده و به‌حیث سیر انسانی استفاده می‌شوند.

تصویری که از اجساد ۹ کشته درگیری روز جمعه منتشر شده، نشان می‌دهد که بیش‌تر آن‌ها لباس‌های نظامی به تن داشته‌اند. آقای توانا در این مورد می‌گوید که چون ساحه امن نیست و هر لحظه امکان حمله‌ی طالبان و کوچی می‌رود، بنابراین برخی از مردم لباس نظامی به تن دارند و این مردم در تظاهرات نیز شرکت کرده بودند: «لباس نظامی موجب نمی‌شود که آن‌ها مسلح بوده‌اند. هیچ سلاحی نزد آن‌ها نبوده و هیچ نیروی از نیروهای جبهه مقاومت در میان معترضان نبودند. اگر نیروهای جبهه مقاومت می‌بود از نیروهای امنیتی دولتی نیز تلفات می‌داشت.»

«نیروهای امنیتی با تانک در میان جمعیت حمله کردند»

روح‌الله نوری، یکی از شاهدان عینی می‌گوید که معترضان می‌خواستند از نیروهای امنیتی بپرسند که آنان با ۳۰ تانک و تجهیزات دیگر در این ساحه امن چه می‌کنند. به گفته‌ی او، تظاهرات داشت ختم می‌شد که نیروهای امنیتی با تانک بر مردم حمله و گلوله‌باری را آغاز کردند: «تانک‌ها را از دروازه قومندانان امنیه بیرون کردند و مردم را زیر گلوله گرفتند. از تانک‌ها و برج‌های قومندانان امنیه فیر می‌کردند. کسانی که خود را کشیدند، کشیدند، کسانی که نکشیدند، ماندند. زخمی‌ها

تا صبح روز شنبه ماندند که برخی‌شان جان دادند. یک نفر مسلح در میان معترضان حضور نداشتند. همه مردم ملکی بودند.»

این معترض می‌افزاید که نیروهای امنیتی ده‌ها تن را در مسجد فرماندهی پولیس و هتل گروگان گرفته و شماری از آن‌ها در سردی هوا در مسجد در وضعیتی بدی قرار دارند. او در مورد هدف این اعتراض چنین می‌گوید: «خواست مردم فقط این بود که این همه نیرو که پس از طی کردن چهار ولایت برای معرفی قومندان امنیه حصه اول بهسود و معترضان مرکزی آمده و مراسم معرفی تمام شده، چرا نمی‌روند و برای مردم مزاحمت ایجاد می‌کنند. دلیل ایجاد ایست‌های بازرسی در این ساحه امن چیست. این نیروها با ۳۰ تانک و تجهیزات دیگر از مردم چه می‌خواهند. هدف مردم این بود که نیروهای امنیتی موضع خود را مشخص کنند و بروند. پرسنل ولسوالی برای تأمین امنیت مردم کافی است و نیاز نیست که ۳۰ تانک در این‌جا حضور داشته باشد.»

او همچنان نیروهای امنیتی را به اذیت و آزار مردم متهم می‌کند و می‌گوید: «این نیروها مردم را متوقف می‌کنند و می‌پرسند که چرا کرتی‌تان پلنگی است. این بوت را از کجا کرده‌اید. چه کاره‌اید و چه وظیفه دارید. موتوری که سوار شده‌ای، از کجا کرده‌ای و کی برای‌تان داده. کاکه منطقه کی است؟»

واکنش‌ها

درگیری میان نیروهای امنیتی و معترضان در ولسوالی حصه اول بهسود واکنش‌های گسترده‌ای در پی داشته است. حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین کشور با نشر اعلامیه‌ای از وقوع این رویداد ابراز تأسف کرده و ضمن تأکید بر حفظ آرامش مردم از حکومت خواسته که هر چه زودتر از راه مسالمت‌آمیز و در تفاهم با اهالی محل برای حل این معضل اقدام کند.

برخی از باشندگان کابل و نمایندگان مناطق مرکزی روز شنبه در گرهمایی در کابل و با صدور قطع‌نامه‌ای گفت که نیروهای امنیتی علیه تجمع مسالمت‌آمیز مردم از

خشونت کار گرفته و آنان ضمن تقبیح و محکوم کردن «حمله نیروهای امنیتی بالای تجمع مسالمت‌آمیز مردم بهسود» از حکومت می‌خواهد که به نیروهای امنیتی اعزامی در بهسود دستور داده شود «حمله بالای مردم ملکی» متوقف کرده و به‌خاطر جلوگیری از بیشترشدن تنش، ساحه را ترک کنند. در این قطع‌نامه هشدار داده شده که در صورت حل‌نشدن تنش پیش‌آمده در زودترین فرصت مردم در ولایات مختلف دست به تظاهرات گسترده خواهند زد.

سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری در اعلامیه‌ای گفت که تظاهرات گروهی از مردم ولسوالی حصه اول بهسود در ولایت میدان وردک، متأسفانه به خشونت گراییده و بر اثر آن «تعدادی از هموطنان کشته و زخمی» شده‌اند. آقای دانش افزود که او از ساعات اولیه بعد از وقوع حادثه، موضوع را با مسئولان مربوطه در شورای امنیت ملی و وزارت امور داخله و مسئولان ولایتی دنبال کرده است: «کشته و زخمی‌شدن و ایجاد خشونت از طرف هر کسی و به هر انگیزه‌ای که باشد به هیچ وجه قابل قبول نیست. ضمن اظهار تأسف شدید از بروز این رویداد تلخ، به مردم منطقه اطمینان می‌دهم که هیأت رهبری حکومت در جریان موضوع قرار دارد و به‌زودی هیأت باصلاحیت برای بررسی دقیق و همه‌جانبه قضیه به منطقه اعزام خواهد شد.»

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی از حکومت و مسئولان خواسته است که این مساله را بررسی و با عاملان آن قانونی برخورد کنند. آقای عبدالله مردم ولسوالی حصه اول بهسود را نیز به صبر و حوصله فرا خوانده و از آنها خواسته است که از طریق مذاکره و گفت‌وگو برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز تلاش کنند.

کریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان در اعلامیه‌ای اقدام نیروهای دولتی را در یک ساحه امن غیرقابل توجیه دانسته و از حکومت خواست که «این نیروها را که در میان مردم نگرانی خلق کرده و علیه شهروندان از قوه نظامی و خشونت استفاده کرده، هر چه زودتر فرا بخوانند و از آن‌جا برگردانند.»

محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان که به‌تازگی مشاور امنیتی و سیاسی رییس‌جمهور مقرر شده در اعلامیه‌ای درگیری در ولسوالی بهسود را «تصادم میان قوای دولتی و مردم محل» خوانده و گفته باتوجه به شرایط حاذاً فعلی کشور و مطرح‌شدن گفت‌وگوهای بین‌الافغانی این حادثه به نفع دولت و ملت نیست. آقای محقق از حکومت خواسته که با اعزام یک هیأت باصلاحیت به منطقه قضیه را از طریق قانونی و مسالمت‌آمیز حل کند.

عبدالقیوم سجادی، عضو مجلس نمایندگان می‌گوید که حادثه ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک و «تیراندازی بر مردم ملکی و شهروندان حامی جمهوریت» تکان‌دهنده و تأسفاتبار است و نظام جمهوری نه براساس رعب و ترس شهروندان بلکه براساس رضایت و حمایت مردم استوار است.

این عضو مجلس در صفحه‌ی فیسبوک خود از حکومت خواسته که در مورد تقبیح و مجازات عاملان این رخداد به‌صورت عاجل و مسئولانه اقدام کند.



جریان دیدار نیروهای امنیتی دولتی با مردم محل

فرود بیژن، رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی

مترجم: جلیل پژواک

طالبان در سال‌های اخیر به استفاده از پهپادهای تجاری کوچک برای مأموریت‌های اکتشافی و تولید پروپاگاندای تصویری از جریان حملات‌شان رو آورده‌اند. اما حالا طالبان از این پرنده‌های هدایت‌پذیر از راه دور به‌عنوان سلاحی جدید علیه نیروهای امنیتی افغانستان نیز استفاده می‌کنند.

جنگ‌جویان طالبان با استفاده از تاکتیک گروه افراطی داعش در عراق و سوریه، پهپادهای ارزان‌قیمت و قابل‌خرید از بازار را با مواد منفجره مسلح می‌کنند و بر روی اهداف موردنظرشان پرتاب می‌کنند. گروه طالبان از ماه اکتبر تاکنون دست‌کم در شش ولایت افغانستان حملات پهپادی انجام داده است. برخی از این حملات باعث کشته و زخمی شدن پرسنل امنیتی افغانستان شده و برخی دیگر به زیرساخت‌ها نظامی آسیب رسانده است.

معلوم نیست که چرا طالبان اخیراً پهپادهای تصویربرداری‌شان را به‌عنوان اسلحه استفاده می‌کنند. اما این اقدام طالبان با تشدید حملات جنگ‌جویان این گروه علیه نیروهای افغان، به‌رغم گفت‌وگوهای صلح بین طرف‌های درگیر، همزمان شده است. ناظران می‌گویند که پهپادهای دست‌کاری‌شده می‌تواند توانایی‌های جنگی طالبان را تقویت کند و یک ابزار تبلیغاتی مؤثر را برای شبه‌نظامیان فراهم کند.

تأثیر پهپاد در میدان جنگ

پهپادهای طالبان تا حال تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر میدان جنگ نداشته است. اما کارشناسان می‌گویند که اگر از این ابزار به صورت صحیح و در شرایط مطلوب استفاده شود، می‌تواند تهدید قابل توجه خلق کند. «نیک واترز»، تحلیل‌گر گروه روزنامه‌نگاری تحقیقی «بلینگکت» (Bellingcat) در بریتانیا می‌گوید: «این پهپادها قدرت آتش نسبتاً اندکی دارد، به اندازه یک یا دو نارنجک دستی. اما دقت این پهپادها بالاست و اگر در نقطه مناسب رها شود، می‌تواند تأثیر قابل توجهی داشته

باشد.»

واترز که افسر سابق ارتش انگلیس است می‌گوید طالبان می‌توانند از هواپیماهای مسلح‌شده برای هدف‌قراردادن فرماندهان، دسته‌ای از سربازان، وسایل نقلیه و انبارهای مهمات استفاده کنند. او می‌گوید که این پهپادها می‌تواند در راهنمایی بمب‌گذاران انتحاری طالبان و کمک به هدف‌گیری با سلاح ثقیله مؤثر باشد و فرماندهان تاکتیکی را از «آگاهی موقعیتی» برخوردار کند.

در سایر مناطق جنگی روش‌های متعددی برای خنثا کردن تهدید پهپادهای تجاری به کار گرفته شده است، از جمله شلیک مستقیم به پهپاد، استفاده از مسدودکننده سیگنال برای مختل کردن کنترل پهپاد و رهگیری فیزیکی آن با استفاده از تور یا حتا پرندگان شکاری. با این حال ناظران می‌گویند که به منظور به کارگیری این تاکتیک‌ها، نخست باید توانایی شناسایی پهپاد را داشت.

واترز می‌گوید: «اگر یک پهپاد کوچک از فاصله هزار فوتی از هوا به شما حمله کند، دشوار است که بتوانید با اسلحه تان آن‌را هدف بگیرید.»

در میدان پروپاگاندا

حملاتی که با پهپادهای تجاری صورت می‌گیرد، برای طالبان به‌عنوان جنگ روانی نیز ارزش تبلیغاتی دارد. در ماه‌های اخیر جنگ‌جویان طالبان و حساب‌های کاربری طرفدار طالبان در شبکه‌های اجتماعی ویدیوها و عکس‌هایی را بارگذاری کرده‌اند که در آن طالبان قابلیت‌های جدید خود را به رخ می‌کشند.

«جانانان شروندن»، کارشناس امنیت در سازمان پژوهشی و تحلیلی غیرانتفاعی CNA در ایالات متحده می‌گوید: «در استفاده از [پهپادها] بدون شک عنصر جنگ روانی نیز نهفته است.» کارشناسان نظامی به پروپاگاندا طالبان درباره به اصطلاح «قطعه سرخ» این گروه اشاره می‌کنند که یک واحد کماندویی طالبان است که مسئول حملات مرگ‌بار بر سربازان افغان دانسته می‌شود. اعضای قطعه سرخ طالبان



حملات پهپادی؛

تاکتیک تازه‌ی جنگ روانی طالبان

افغانستان استفاده کرده است. این مدل هواپیماهای بدون سرنشین که هرکدام بیش از ۴ میلیون دالر قیمت دارد، می‌تواند تا ۷۴۰ کیلومتر فاصله را پرواز کند و تا ۱۴ ساعت در آسمان بماند. برنامه ارتش ایالات

متحده برای استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ افغانستان، بحث‌برانگیز بوده است و در مواردی مسئول تلفات غیرنظامیان دانسته شده است. استفاده طالبان از پهپاد درحالیهست که این گروه به رغم امضای توافق‌نامه صلح با ایالات متحده در ماه فبروری سال ۲۰۲۰

برای پایان‌دادن به جنگ در افغانستان، حملات‌شان را علیه مواضع نیروهای محاصره‌شده این کشور افزایش داده‌اند. طبق توافق‌نامه فبروری ۲۰۲۰ قرار است تمامی نیروهای خارجی در ازای تضمین‌های ضدتروریستی از جانب طالبان،

موتربمب می‌شود. ارتش ایالات متحده از هواپیماهای بدون سرنشین بزرگ موسوم به Reaper و Predator مسلح به موشک‌های قدرتمند Hellfire برای کشتن شبه‌نظامیان در

بهرتر از جنگ‌جویان عادی این گروه آموزش دیده‌اند، مجهزترند و به‌عنوان نیروهای ویژه طالبان توصیف شده‌اند.

شروندن می‌گوید: «پهپادهای تاکتیکی یکی دیگری از روش‌های طالبان است که از طریق آن سعی می‌کنند خودشان را قوی‌تر از نیروهای افغان نشان دهند. این روش به آن‌ها کمک می‌کند از تأثیر باورها درباره کمبود اصلی این گروه نسبت به نیروهای افغان که فقدان تجهیزات فنی پیشرفته است، بکاهند.»

زرادخانه جنگی طالبان عمدتاً شامل راکت، هواون، تسلیحات سبک، بمب دست‌ساز و موتربمب می‌شود.

ارتش ایالات متحده از هواپیماهای بدون سرنشین بزرگ موسوم به Reaper و Predator مسلح به موشک‌های قدرتمند Hellfire برای کشتن شبه‌نظامیان در

افغانستان استفاده کرده است. این مدل هواپیماهای بدون سرنشین که هرکدام بیش از ۴ میلیون دالر قیمت دارد، می‌تواند تا ۷۴۰ کیلومتر فاصله را پرواز کند و تا ۱۴ ساعت در آسمان بماند. برنامه ارتش ایالات متحده برای استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ افغانستان، بحث‌برانگیز بوده است و در مواردی مسئول تلفات غیرنظامیان دانسته شده است. استفاده طالبان از پهپاد درحالیهست که این گروه به رغم امضای توافق‌نامه صلح با ایالات متحده در ماه فبروری سال ۲۰۲۰

«قابل خرید از بازار»

ماه نوامبر احمدضیا سراج، رییس امنیت ملی افغانستان به نمایندگان مجلس این کشور گفت که طالبان به استفاده از هواپیماهای قابل خرید از بازار و سپس مسلح کردن آن با مواد منفجره رو آورده‌اند. او گفت که طالبان از «پهپادهایی استفاده می‌کنند که

که اراده خداوندی بوده است یا قصور انسانی بی‌معنا خواهد بود.

صحبت از فاجعه و تأمل درباره آن در کشوری که مرز میان عملیات آموزه‌های دینی و اعتقادی و مسئولیت انسانی در بروز حوادث و فجایع روشن نیست، دشوار است. پاسخ متافیزیکی به حوادث و فجایع در وجود ما احساسی از تسلیم در برابر مشی الهی و رضایت را فراهم می‌کند. عدم پذیرش مسأله و کنار نیامدن با آن وضعیتی اندوهناک و درد جانکاهی را در ضمیر و روان ما خلق می‌کند که اثرات آن تا مدت‌ها می‌تواند روح ما را بیازارد. آنچه که ما را وامی‌دارد تا پاسخی الهیاتی را برای بروز فجایع برگزینیم، انباشت ارزش‌های دینی، میزان عقلانیت و احساس تنهایی وجودی ما در مواجه با فجایع است. ما خود را در برابر فاجعه تنها، سرگردان و بدون حامی می‌یابیم. این‌جاست که تقدیرگرایی به داد انسان می‌رسد و ما را که با وقوع فاجعه از زمین کنده شده‌ایم دوباره به زمین باز می‌گرداند.

سنت اسلامی و تقدیرگرایی

در سنت کلاسیک اسلامی هر حادثه یا رخدادی بر مبنای مشیت الهی تفسیرپذیر است. همه چیز توسط خداوند رقم می‌خورد. براساس این دیدگاه آنچه که برای ما به‌وقوع می‌پیوندد و آنچه که قرار است اتفاق بیفتد باید پذیرفت. به این دلیل که مشیت الهی چنین خواسته است. هیچ رویدادی مگر به اراده خداوند رخ نمی‌دهد. بنابراین اراده خداوند در هر موضوعی جاری و ساری است و اراده انسان در سنت اسلامی عاملیت چندانی ندارد.

در مدل سنتی خدااباوری (مدل خدااباوری

وقوع فاجعه در افغانستان یک وضعیت هم‌روزه است. دامنه وقوع آن نیز در این سرزمین گسترده است. کسی که به اصطلاح عملیات شهادت‌طلبانه انجام می‌دهد، فاجعه خلق می‌کند. کسانی که فرخنده را به جرم قرآن‌سوزی در وسط شهر کابل سلاخی کردند و همه‌ی آن‌هایی که با موبایل‌های‌شان در کمال خونسردی، صحنه‌های دلخراش مرگ او را به ما نشان دادند نیز فاجعه خلق کردند. همچنین می‌توان وقوع فجایع محیط‌زیستی مانند سیل را که متأسفانه در نتیجه‌ی عدم شناخت ما از بستر زمین، عدم برنامه‌ریزی و آینده‌نگری ما به‌وقوع می‌پیوندد نیز در این حوزه قرار داد.

بی‌تفاوتی نسبت به وقوع فاجعه و تکرار آن نیز به امری عادی تبدیل شده است. این امر سبب شده که مردم پاسخی الهیاتی و متافیزیکی به امر فاجعه‌آمیز دهند؛ پاسخی که می‌توان ردیای اعتقادات و باورهای دینی را در همه اتفاقات و حوادث به‌وجودآمده، مشاهده کرد. به چنین وضعیتی، قائل بودن به تقدیرگرایی یا سرنوشت‌باوری می‌گویند. وضعیتی که اراده خداوند و خواست او، مقدم بر اراده و عمل انسان است.

انعکاس تقدیرگرایی را می‌توان در بسیاری از لایه‌های آشکار و پنهان زندگی مردم دید. هر فاجعه‌ای در برابر خود یک پاسخ ساده دارد. «خواست خدا بوده است». این وضعیت تنها مختص جامعه افغانستان نیست. در بسیاری از کشورهای عقب‌مانده اسلامی، مردم چنین پاسخی را برای بروز حوادث و فجایع انتخاب می‌کنند. آن‌ها درباره قصور انسانی کمتر فکر می‌کنند. البته اگر باورمندی به آموزه‌های دینی و اعتقادی را از جهان حذف کنیم این پرسش

تقدیرگرایی و تکرار مداوم فاجعه

حسین‌علی کریمی



که اسپینوزا شرح و بسط می‌دهد خدا «واجب‌الوجود» است یعنی ضرورتاً وجود دارد و چیزی علت او واقع نشده است و نیز «بی‌نیابت» است یعنی هیچ جای هستی از وجود او خالی نیست و در جهان تنها یک جوهر وجود دارد و آن هم جوهر الهی است و همه چیز در این عالم صفات او است. این تلقی از خدا اما، به‌رغم این‌که در نگاه اول ممکن است «راست‌گیشانه» (ارتدوکس) به‌نظر برسد، به قیمت تکفیر اسپینوزا و اخراج او از جامعه‌ی یهودیان پرتغالی ساکن

از لحظه‌ی شکل‌گیری مغز او تا تولد و از تولد تا لحظه‌ی مرگ، همراه او بوده است. به همین شکل، در مدل اسپینوزا آفرینشی در کار نیست تا اراده‌ی معطوف به آفرینشی در کار باشد. از ازل تا به ابد خدا بوده است و جهان هم بوده است گرچه جهان در خدا است.

در برخی مدل‌های خدااباوری، اساساً عنصر «مشیت الهی» نه‌تنها غایب است بلکه نفی می‌شود زیرا خدا اساساً شخص‌وار تصویر نمی‌شود. مثلاً در مدل خدااباورانه‌ای

دینی) اما خدا اراده کرده است که جهان را از عدم بیافریند و خدا از جهان جدا است گرچه حاکم بر آن است اما در مدل اسپینوزا از ازل تا به ابد خدا و جهان با هم بوده‌اند و گرچه جهان، معلول خدا است اما هیچ‌گاه از او جدا نبوده است. بر این اساس، خدا اصولاً جهان را نیافریده است بلکه جهان ضرورتاً همیشه همراه با خدا بوده است، شبیه چشمان یک فرد با جمجمه‌ی سالم که چشمانش را از جایی دیگر در درون سوراخ‌های جمجمه‌اش نصب نکرده‌اند بلکه

گزارش



کهنگی پول، نان و جنگ

چگونه بانکوت‌های فرسوده برای شماری درآمد و برای بسیاری مایه‌ی دعوا است؟

نو و قابل مبادله در بازار را از علت‌های اصلی این مسأله عنوان می‌کنند.

ریحانه عظیمی، دانشجویی یکی از دانشگاه‌های کابل هر روز با موترهای شهری به‌ویژه ملی‌بس به دانشگاه می‌رود. برای او که تردد در این مسیر، سخت‌ترین بخش از زندگی روزمره‌اش است می‌گوید اگرچه داشتن پول سهولت‌های بسیاری فراهم می‌کند اما وجود پول‌های خارج از گردش و به اصطلاح ناچل به نوعی مایه نگرانی است. او با اشاره به پول‌های کهنه‌ای که توسط رانندگان و مسافران تبادل می‌شود می‌گوید «وقتی پول کهنه پیش‌ام باشد تا رسیدن به خانه یا دانشگاه خدا خدا می‌کنم که کلینتر متوجه کهنگی و یا فرسودگی پولم نشود. چون کلینتران موترهای شهری اصلاً رعایت حال زنان را نمی‌کنند. جنگ و دعوا راه می‌اندازند. البته خودم هم برای این‌که به مشکل برخوردیم در وقت گرفتن باقی‌مانده پول‌ام از کلینتر یا دکاندار تمام پول‌ها را یکی‌یکی می‌بینم تا در وقت خرید و یا پرداخت کرایه به مشکل برخوردیم.»

رضا فرزام، استاد دانشگاه کابل به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید پول‌های کهنه می‌تواند تأثیرات منفی روی وضعیت بازار داشته باشد ولی زیاد قابل ملاحظه نیست تا زمانی که این پول‌ها قابلیت گردش در بازار را داشته باشد مردم از آن‌ها استفاده می‌کنند. به گفته‌ی آقای فرزام آنچه که اهمیت دارد این است که اسکناس‌ها روزبه‌روز کهنه‌تر می‌شوند و تأثیری که بر روی مدیریت پولی افغانستان می‌گذارد، هزینه‌ی زیادی را بر دولت تحمیل می‌کند. او می‌افزاید بانک مرکزی سالانه پول‌های کهنه و مندرس را جمع‌آوری می‌کند و برای چاپ هر اسکناس در بیرون از کشور به‌طور میانگین در حدود سه افغانی می‌پردازد.

محسن، دکاندار، از مشکلات و درگیری‌هایی می‌گوید که با مشتریانش روزانه دارد: «برای ده یا بیست افغانی هر روز با مشتری‌انم به جنجال هستم. در تمام شهر یک ده افغانی جدید پیدا نمی‌توانی. نمی‌شود هر روز برای تبدیل پول کهنه به بانک بروی. به همین دلیل پول‌های را که زیاد کهنه و فرسوده است به صرف به قیمت پایین می‌فروشم.» او می‌گوید روزی یکی از مشتریانش به‌خاطر ده افغانی فرسوده شیشه‌های مغازه‌اش را شکسته است. او که هر روز با شمار زیادی از مردم در تماس است می‌گوید در تمام بازار اسکناس‌های کهنه و فرسوده است. او هر روز نمی‌تواند دروازه مغازه‌اش را بسته و برای تعویض اسکناس‌های کهنه به بانک مرکزی بروی.

رضا فرزام می‌افزاید فرهنگ استفاده از اسکناس‌های رایج در میان مردم از علت‌های اصلی فرسودگی آن‌هاست. دلیل دیگر این فرسودگی گردش بیش از اندازه پول است که نه‌تنها منجر به رشد اقتصاد نمی‌شود بلکه موجب کهنگی پول‌ها شده است. به باور آقای فرزام پول کمی در دسترس مردم قرار دارد که گردش بیش از اندازه آن موجب فرسودگی پول‌های موجود شده است.

بانک مرکزی افغانستان مسئولیت دارد که اسکناس‌های کهنه و از دور خارج‌شده را جمع‌آوری کند و به‌جای آن اسکناس‌های جدید وارد بازار کند. هرچند بانک مرکزی افغانستان در مورد این ادعا که پول‌های فرسوده دوباره وارد گردش بازار می‌شود، به تماس مکرر اطلاعات روز پاسخی نمی‌دهد، بانک مرکزی افغانستان (د افغانستان بانک) چند روز پیش گفته است که از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۵۸ میلیارد افغانی بانکوت فرسوده از دوران پول کشور خارج شده است. این نهاد گفته است که محو این مبلغ بانک‌نوت فرسوده که سالانه به‌طور اوسط به ۳۶ میلیارد افغانی می‌رسد، تحت نظر یک کمیته‌ی متشکل از ادارات مختلف به‌گونه‌ی «شفاف» صورت می‌گیرد.

مسئولان بانک مرکزی گفته‌اند که بانک مرکزی برای روند توزیع بانک‌نوت‌های جدید در بازار مکانیزی را روی دست گرفته که تا یک ماه دیگر تکمیل می‌شود. براساس این مکانیزم، پول‌ها به تناسب حجم بودجه‌ی هر ولایت از طریق بانک‌های تجارتي توزیع می‌شود.

فریضه عالمی

گزارشگر

شاید کمتر کسی بانکوت‌های کهنه را در دادوستدهای روزانه‌شان قبول کنند. برای خیلی‌ها نیز کهنگی پول گاهی بهانه‌ی دعوا است. اما هستند کسانی از همین «کهنگی پول» نان می‌خورند. مثل حمیدالله (مستعار) که دست‌کم ده سال است در سرای شهزاده کابل و ولایت‌های دیگر صراف می‌کند. حمیدالله که نمی‌خواهد با هویت اصلی‌اش در این گزارش صحبت کند می‌گوید یکی از کارهای روزانه‌ی او و برادرانش این است که همه روز به مقدار هنگفتی اسکناس‌های کهنه و فرسوده را از بازار کابل به قیمت ارزان‌تر از مردم می‌خرند: «پول‌های کهنه را از مردم ارزان‌تر می‌خرم بعد به سرای شهزاده به یک قیمت دیگر به فروش می‌رسانم. همین‌گونه مصارف خانواده را تأمین می‌کنم. پولش بد نیست از کارم راضی‌ام.» شمار زیادی از پایتخت‌نشینان مدعی‌اند یکی از مشکلات اساسی که آن‌ها در کابل همواره با آن درگیرند، معضل اسکناس‌های مندرس و کهنه است که با افزایش این اسکناس‌ها، در دادوستدهای روزانه‌شان به مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. شماری از شهروندان به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند پول‌هایی که از مغازه‌داران، رانندگان، دست‌فروشان و مشتریان‌شان می‌گیرند، به قیمتی ارزان‌تر از قیمت اصلی‌اش با صرافان و دست‌فروشان معاوضه می‌کنند.

احمد یکی از صرافان شهر کابل که همراه با همکارانش همه‌روزه پول‌های کهنه و فرسوده را از دکانداران و دست‌فروشان به قیمت پایین‌تر خریداری می‌کند، می‌گوید آن‌ها پول‌های کهنه را برای فروش به سرای شهزاده می‌برند اما این پول‌ها تا زمانی که به بانک مرکزی افغانستان می‌رسد چندین بار تبادل می‌شود. احمد می‌گوید از این راه پول خوبی به جیب می‌زند: «قیمت پول‌های خریداری‌شده نظر به کهنگی و فرسودگی‌اش فرق می‌کند. حتی زمانی هم بوده که ما ده افغانی را به پنج یا سه افغانی خریداری کردیم. همچنان پول‌هایی هم هست که دو یا سه افغانی از قیمت اصلی‌اش کمتر می‌خریم. بعد همین‌گونه خود ما این پول‌ها را به صرافان دیگر می‌فروشیم. تا بالاخره به بانک می‌رسد، و دوباره از بانک به مردم.»

چرخه‌های دورانی پول‌های کهنه

حاجی دادگل معاون، اتحادیه صرافان در رابطه به حل این مشکل که همه‌روزه شمار زیادی از شهروندان کشور با آن روبه‌رویند می‌گوید در تمامی بانک‌ها به‌ویژه بانک مرکزی شعبه مخصوصی برای تعویض این پول‌ها در نظر گرفته شده است: «طبق توافقی که اتحادیه صرافان کابل با بانک مرکزی داشته و هدایتی که بانک مرکزی به سایر بانک‌های شخصی داده، هیچ‌گونه مشکلی در تعویض بانکوت‌های مندرس و قابل تعویض وجود ندارد. تمام بانک‌های افغانستان به‌خصوص بانک مرکزی شعبه مشخص برای تعویض بانکوت‌های مندرس دارند. و این مشکل قابل حل است.»

برای گردش پول و تبادل در بازار مکانیزم جمع‌آوری پول‌های فرسوده از سوی بانک مرکزی وجود دارد؛ طوری که بانک، پول‌های از رده خارج‌شده که به‌دلیل فرسودگی بیش از اندازه قابلیت گردش در بازار را ندارد جمع کرده و به‌جای آن پول‌های نو را وارد بازار می‌کنند.

برخی از شهروندان مدعی‌اند روند تعویض پول‌های کهنه با نو به اندازه‌ی کافی شفاف نیست و احتمال این وجود دارد که این پول‌ها دوباره در بازار به گردش دربیایند. آن‌ها می‌گویند بانک‌ها اسکناس‌های فرسوده و کهنه‌ی آن‌ها را دوباره با اسکناس‌های کهنه دیگر تبدیل می‌کنند.

جنگ و دردسر

به‌رغم مشکلات یادشده شمار زیادی از رانندگان و مسافران شهر کابل می‌گویند آن‌ها همه‌روزه پول‌های کهنه و فرسوده‌ای از مسافران و رانندگان موترهای شهری دریافت می‌کنند که همین پول‌ها موجب مشکلاتی برای آن‌ها شده است. آن‌ها نبود پول‌های

استفاده کردند. دو سال زمان برد تا نیروهای عراقی موردحمایت ایالات متحده طی یک کارزار طولانی و ویران‌گر، موصل را پس بگیرند.

واترز می‌گوید: «این پهپادها بسیار رایج بود طوری که گزارش می‌شد سرعت حمله را کاهش داده و حتی حمله را تا زمانی که نیروهای مخالف راهی برای خنثاکردن آن نیافتند، متوقف کرده بود. کار به جایی رسیده بود که حتی صدای پهپاد خودش تبدیل به اسلحه شده بود؛ وقتی جنگ‌جویان صدای پهپاد را از بالای سر خود می‌شنیدند، به‌دلیل خطر آن فوراً پناه می‌گرفتند.»

با این‌حال کارشناسان می‌گویند که تکرار عین تاکتیک‌های مورداستفاده داعش (که هدف‌قراردادن مواضع نیروهای مخالف در مناطق شهری توسط پهپاد بود) در عراق و سوریه، برای طالبان در افغانستان دشوار است.

نیروهای امنیتی افغانستان با بیش از ۱۰ هزار ایست بازرسی کوچک در سراسر کشور و بیشتر مناطق روستایی افغانستان پخش هستند.

شروند می‌گوید: «انجام حمله غافل‌گیرانه بر یک پسته کوچک در مناطق هموار در صورتی که نیروهای افغان احتمال چنین حمله‌ای را در نظر داشته باشند، که اینک باید داشته باشند، دشوارتر خواهد بود. با این‌وجود این پهپادها یک تهدید بالقوه برای هر ایست بازرسی بی‌خبر و همچنین تأسیسات بزرگ‌تر و واقع در مناطق شهری یا نواحی غیرهموار به‌شمار می‌رود.»

فرود بیژن تحولات افغانستان و پاکستان را با تمرکز بر سیاست، شورش طالبان و حقوق بشر پوشش می‌دهد. او در افغانستان، کوزوو و ترکیه کار روزنامه‌نگاری کرده است. بیژن قبل از پیوستن به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی در سال ۲۰۱۱، به‌عنوان روزنامه‌نگار آزاد در افغانستان کار می‌کرد و با چندین نشریه استرالیایی از جمله *The Age* و *The Sydney Morning Herald* همکاری داشت.

تحلیل

نیست، برنامه‌ریزی نمی‌کند. بر این اساس انتظار می‌رود که روند توسعه و پیشرفت جامعه با کندی مواجه شود.

تقدیرگرایی به‌شدت زمینه را برای تکرار رخ‌دادن فاجعه فراهم می‌کند. چرا که مسئولیت انسانی در این رویکرد از انسان سلب می‌شود. شکافی که تقدیرگرایی در پس‌زمینه روانشناختی ما ایجاد می‌کند، بستری برای وقوع فاجعه را به‌وجود می‌آورد. این فاجعه می‌تواند بروز آن باشد، می‌تواند بی‌تفاوتی به آن باشد. بسیاری از کسانی که در دام گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا قرار می‌گیرند و عملیات به اصطلاح شهادت‌طلبانه انجام می‌دهند، خود را با این عبارت ساده که «مشیت الهی چنین می‌خواهد»، فریب می‌دهد. این چنین است که فاجعه رقم می‌خورد. با تقدیرگرایی است که گناه و عمل غیراخلاقی انتحار در مسجد، آموزشگاه، مکتب و قتل‌عام مردم ... قابل توجیه می‌شود.

تفاوت عمده جوامع تقدیرگرا و غیر آن در این است که آن جوامع هر پدیده‌ای، اتفاقی و یا حادثه‌ای را در نتیجه‌ی اراده خداوند متصور نمی‌شوند، عقلانیت و خرد این جوامع حکم می‌کند که آن‌ها به دنبال قصور انسانی و یا سیستم باشند. از دل چنین وضعیتی است که مسئولیت‌پذیری فردی - اجتماعی، برنامه‌ریزی و مفهوم توسعه خلق می‌شود. تکرار فاجعه عادت ثابت جامعه نمی‌شود. برون‌داد چنین رویکردی، پرسش و انتقاد از عملکرد سیستم، فرد و جامعه است. مسأله‌ای که در جوامع تقدیرگرا وجود ندارد. چرا که تفکر جمعی آنان که در سایه پرسشگری و نقد سیستم به‌وجود آمده، مدت‌هاست که با تقدیرگرایی، نسبت چندان‌ی ندارند.

در بازار به فروش می‌رسد» و در اصل برای تصویربرداری ساخته شده است.

سراج این سخنان را زمانی گفت که یک ماه قبل از آن طالبان با استفاده از پهپاد مسلح‌شده، مواد منفجره را در داخل محوطه مقر والی ولایت کندز پرتاب کردند که در در نتیجه آن دست‌کم چهار نفر کشته و هشت تن دیگر زخمی شدند. این حمله اولین حمله طالبان با استفاده از پهپاد دانسته می‌شود. از آن زمان طالبان قرار گزارش‌ها از پهپادهای مسلح‌شده با مواد انفجاری در ولایت‌های بغلان، بلخ، پکتیا، لوگر و فاریاب استفاده کرده‌اند.

طالبان در یکی از حملات اخیرشان، در ۱۵ جنوری از پهپاد برای پرتاب مواد منفجره در داخل یک پایگاه نظامی در قندوز استفاده کردند. در این انفجار دو سرباز افغان زخمی و یک هلی‌کوپتر نظامی آسیب دید.

اوایل ماه جنوری حکومت استفاده از هر نوع پهپاد را بر فراز کاخ ریاست‌جمهور در کابل ممنوع کرد.

تهدیدی از بالای سر

تحلیل‌گران می‌گویند طالبان تاکتیک استفاده از پهپاد را از شبه‌نظامیان داعش در عراق و سوریه اتخاذ کرده‌اند. داعش نیز ابتدا از پهپاد برای مقاصد اکتشافی استفاده می‌کرد و بعداً آن‌ها را برای حمله به نیروهای عراقی و سوری دست‌کاری و مسلح کرد. پهپادهای مورداستفاده داعش یا مواد منجره و بمب‌های دست‌ساز را از هوا پرتاب می‌کرد یا داعش آن‌ها را با مواد منفجره مسلح می‌کرد تا روی زمین منفجر شود.

ایالات متحده در حدی نگران تهدیدات ناشی از پهپادهای داعش بود که در سال ۲۰۱۷ برنامه ۷۰۰ میلیون دلاری را برای توسعه تاکتیک‌ها و فناوری‌های نظامی علیه ناوگان عظیم پهپادهای این گروه افراطی روی دست گرفت. بیشتر این ناوگان داعش را پهپاد نوع «کوادکوپتر» تشکیل می‌داد.

واترز می‌گوید که شبه‌نظامیان داعش از پهپادهای مسلح‌شده به صورت مؤثر در نبرد بر سر موصل، دومین شهر بزرگ عراق، که در سال ۲۰۱۵ به تصرف این گروه درآمد،

آمستردام تمام شد. زیرا در این مدل، اولاً خدا متعالی از جهان و بیرون از آن نیست بلکه درون جهان است و با آن یکی است و مهم‌تر آنکه خداوند هیچ صفت شخص‌واری، از جمله مشیت (اراده) ندارد.

نسبت فاجعه و تقدیرگرایی

روبه‌روشدن با امر فاجعه و تکرار آن در مقیاس وسیع و به‌صورت پی‌درپی، بخشی از توان فیزیولوژیک و روان‌شناختی ما را فلج می‌کند. به یکباره ما از درون تهی می‌شویم. به قول کافکا در وضعیت مسخ‌شدگی قرار می‌گیریم. در چنین شرایطی ما دچار سردرگمی، بحران و سراسیمگی در عواطف و کارکردهای ذهنی خود می‌شویم که قضاوت و فهم ما را از مسأله با چالش‌آنی مواجه می‌سازد. در نتیجه‌ی چنین وضعیتی، توان ذهنی و روان‌شناختی ما کاهش می‌یابد و به مرور، درماندگی و افسردگی جمعی، وضعیت غالب کنش جامعه به فجایع می‌شود. احساسی از رنج و شبه‌بیماری در پس‌زمینه روان جمعی ما به‌وجود می‌آید و مرجعی برای پاسخ‌های عقلانی ما به حوادث و فجایع تشکیل می‌شود.

از مهم‌ترین پیامدهای تقدیرگرایی این است که میل به مشارکت درون افراد جامعه را کاهش می‌دهد. تقدیرگرایی باعث مسئولیت‌گریزی فردی و اجتماعی می‌شود. در جوامع عقب‌مانده اسلامی، تقدیرگرایی بخش مهمی از باورهای مسلمانان را شکل می‌دهد؛ اگر خدا بخواهد، خواست خدا چنین بود و ... جملاتی از این دست را به‌وفور می‌توان در ادبیات روزمره مردم مشاهده کرد. فرد تقدیرگرا عاملیت خود و مردم را در بسیاری از امور زندگی کم‌رنگ می‌بیند. با این استدلال که آینده روشن

کرونا؛ فرانسه مرزهایش را به روی کشورهای غیراروپایی می‌بندد

را سخت‌تر کنند. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، چند روز است که زمزمه اجرای محدودیت رفت و آمد برای بار سوم در فرانسه شنیده می‌شود. اما آقای کاستکس امشب به مردم فرانسه گفت که به شهروندان این فرصت داده می‌شود که از یک ممنوعیت سراسری اجتناب کنند. به گفته نخست‌وزیر فرانسه، منع رفت و آمد بعد از شش عصر به کاهش سرایت ویروس کرونا کمک کرده اما کافی نبوده است. دولت فرانسه نگران است که گونه جدید ویروس کرونا

اطلاعات روز: نخست‌وزیر فرانسه اعلام کرده که این کشور مرزهایش را به روی کشورهای غیر اروپایی می‌بندد. فرانسه در آستانه گسترش ابتلا به نوع جدید ویروس کووید ۱۹ است و اعلام کرده که از روز یکشنبه تمهیدات تازه‌ای اجرا خواهد کرد از جمله بستن مرزهای هوایی. ژان کاستکس، نخست‌وزیر فرانسه، پس از جلسه‌ای در کاخ ریاست‌جمهوری الیزه اعلام کرد که فعلا از اعمال یک محدودیت سراسری دیگر دست نگه داشته‌اند و قصد دارند به جای آن محدودیت‌های سفر و تجارت

که از بریتانیا و آفریقای جنوبی وارد فرانسه شده به سرعت گسترش پیدا کند و وضعیت سیستم بهداشت این کشور را به مرز بحران برساند. نخست‌وزیر فرانسه از روز یکشنبه تمام سفرها از بیرون اتحادیه اروپا را به جز سفرهای ضروری، ممنوع کرده است. مسافران داخل اتحادیه اروپا هم برای ورود به فرانسه باید جواب منفی آزمایش کرونا را در مرز نشان دهند. مراکز خرید بزرگ هم که مواد غذایی نمی‌فروشند از روز یکشنبه بسته خواهند شد.

بیش از ۳ هزار بیمار مبتلا به کرونا در بخش مراقبت‌های ویژه هستند و آمار روزانه مبتلایان تازه به ویروس کووید ۱۹ هم این ماه چهار برابر شده است. تا به حال در فرانسه بیش از ۷۳ هزار نفر جان خود را بر اثر ابتلا به کوید ۱۹ از دست داده‌اند. بنا به قوانین جدید اگر کسی از یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از طریق هوا یا دریا وارد فرانسه شود باید جواب آزمایش کرونایش منفی باشد. آزمایش را هم باید در هفتاد و دو ساعت مانده به سفر گرفته باشند.

مشاور امنیت ملی امریکا:

جمهوری اسلامی به دستیابی به سلاح اتمی نزدیک‌تر می‌شود

نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند.» او افزود: جو بایدن قصد دارد به عنوان اولین گام برای رسیدگی به گستره تهدیداتی که از سوی جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، به صورت اضطراری توافق هسته‌ای را احیا کند و اطمینان حاصل کند برخی از معیارها و محدودیت‌هایی که طی دو سال اخیر نادیده گرفته شده‌اند دوباره برقرار شده‌اند. این در حالی است که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا، در نشست خبری خود در روز چهارشنبه گفته بود که امریکا تا رسیدن به توافق با ایران «فاصله» دارد و خاطر نشان کرد ایالات متحده با متحدان خود در مورد توافق

اطلاعات روز: جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی امریکا، گفت با توجه به اینکه جمهوری اسلامی به دستیابی به مواد کافی برای تسلیحات هسته‌ای نزدیک‌تر می‌شود، رسیدگی به «بحران فزاینده هسته‌ای» ایران برای دولت جو بایدن یک «اولویت حیاتی» است. سالیوان روز جمعه در نشست مجازی موسسه صلح ایالات متحده با تاکید بر اینکه امریکا با «سایر رفتارهای بد ایران، از جمله رفتارهای مخرب در منطقه» برخورد خواهد کرد گفت: «از نظر ما یک اولویت حیاتی زودهنگام باید رسیدگی به این بحران فزاینده هسته‌ای باشد، زیرا آنها (ایران) به دستیابی به مواد کافی برای ساخت سلاح

طولانی مدت با جمهوری اسلامی گفت‌وگو خواهد کرد. به گزارش ایران اینترنشنال، روز جمعه، یک منبع دیپلماتیک اروپایی به رویترز گفت رابرت مالی، نماینده ویژه امریکا در امور ایران، با مقام‌های سیاسی بریتانیا، فرانسه و آلمان صحبت کرده تا شرایط را ارزیابی کند. از سوی دیگر، جن ساکی، سخن‌گوی کاخ سفید، در نشست خبر خود گفت پیش از بررسی هرگونه ملاقاتی بین مقام‌های ایران و امریکا، گام اول این است که ایران به محدودیت‌ها در برجام پایبند باشد. امانوئل مکران، رئیس‌جمهوری فرانسه، نیز روز جمعه در مصاحبه‌ای با شبکه العربیه با تاکید بر اینکه مذاکرات

با ایران «بسیار سختگیرانه» خواهد بود، خواستار دخیل بودن کشورهای منطقه، از جمله عربستان سعودی، در توافق جدید شد. مکران هشدار داد: «زمان باقی‌مانده برای ممانعت از دست یافتن ایران به سلاح اتمی بسیار اندک است.» هایکو ماس، وزیر خارجه آلمان نیز روز ۱۴ آذر اعلام کرده بود که بازگشت به توافق هسته‌ای برجام دیگر کافی نیست و توافق جدید با ایران باید برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی را نیز شامل شود. این سخنان در حالی بیان شده که مقامات جمهوری اسلامی مذاکره دوباره درباره برجام را رد کرده‌اند.

کشف نامه‌ای حاوی نام‌های سلیمانی و فخری‌زاده در محل انفجار مقابل سفارت اسرائیل در دهلی

«جیش‌الهدند» مسئولیت انفجار کوچکی را که در نزدیکی سفارت اسرائیل در دهلی نو روی داد، پذیرفته است، با این حال تحقیقات درباره این ادعا و همچنین تحقیقات در محل انفجار ادامه دارد. پولیس هند پیشتر اعلام کرده بود این حادثه که تلفات جانی نداشته، در اثر انفجار یک بمب دست‌ساز رخ داده است. به نقل از ایران اینترنشنال، برخی مقام‌های امنیتی اسرائیل، جمهوری اسلامی و سپاه قدس را به دست داشتن در این حمله متهم کرده و گفته‌اند این

اطلاعات روز: شبکه تلویزیونی ایندیا تودی به نقل از منبع آگاه اعلام کرد پولیس دهلی پس از انفجار روز جمعه در نزدیکی سفارت اسرائیل، به دنبال جزئیات ورود مسافران از ایران و دیگر کشورهای غرب آسیا در یک ماه گذشته است. این شبکه تلویزیونی همچنین گفت پولیس پاکت نامه‌ای خطاب به سفیر اسرائیل در محل انفجار پیدا کرده است که در آن به نام‌های قاسم سلیمانی و محسن فخری زاده اشاره شده است. برخی رسانه‌های هند خبر داده‌اند گروهی به نام

عملیات که هم‌زمان با بیست و نهمین سالگرد برقراری رابطه رسمی دیپلماتیک بین اسرائیل و هند رخ داده، تروریستی است. در همین حال ایندیا تودی خبر داده که نیروهای امنیت صنعتی مرکزی هند که مسئولیت حفاظت از فرودگاه‌ها، تأسیسات هسته‌ای و هوافضا، مترو هند و ساختمان‌های دولت مرکزی این کشور را برعهده دارند، پس از این انفجار به همه نیروهای خود در سراسر هند هشدار داده است. هم‌زمان قرار است یک تیم از بازرسان اسرائیلی به

زودی وارد دهلی‌نو شوند تا به بازرسان هندی در این زمینه کمک کنند. پولیس دهلی باقیمانده‌های مواد منفجره را در محل انفجار جمع‌آوری کرده و برخی منابع به ایندیا تودی گفته‌اند: «واضح است که از یک تایمر (زمان‌سنج) استفاده شده و این تئوری که یک دوچرخه یا خودروی در حرکت بمب را پرتاب کرده باشد، از بین می‌رود.» این منابع اضافه کردند: «مواد منفجره باکیفیتی استفاده شده بوده و بیشتر آن نیز احتمالا پینتریت بوده است.»

«رایزنی» رابرت مالی با مقام‌های سه کشور اروپایی درباره برجام



در کنفرانس خبری خود انتصاب رابرت مالی را تایید کرد. ند پرایس، سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا هم در خصوص انتصاب رابرت مالی در بیانیه‌ای گفت است که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا در حال تشکیل یک تیم از کارشناسان مجرب و متخصص با دیدگاه‌های مختلف است که رابرت مالی هدایت این تیم را به عهده خواهد داشت. در همین حال، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی دولت جو بایدن در همین روز گفت که اولویت «فوری و حیاتی» دولت جدید امریکا رسیدگی به «بحران تنش‌افزای برنامه

اطلاعات روز: دو منبع مطلع به رویترز گفته‌اند رابرت مالی، نماینده جدید امریکا در امور ایران روز جمعه ۱۰ دلو با مقام‌های سه کشور اروپایی در خصوص توافق هسته‌ای موسوم به برجام گفت و گو کرده است. یک دیپلمات اروپایی گفته است که رابرت مالی با مدیران سیاسی وزارت خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان گفت‌وگو کرده است. این دیپلمات اروپایی که نامش فاش نشده اضافه کرده است که گفت‌وگوها در راستای جمع‌بندی‌ها درباره توافق برجام و ارزیابی دیدگاه‌های این کشورها نسبت به این موضوع بود. یک منبع دیگر نیز با تایید این گفت‌وگو‌ها از بیان جزئیات در این خصوص خودداری کرد. وزارت امور خارجه امریکا هنوز در خصوص این مذاکرات بیانیه‌ای منتشر نکرده است.

دولت جو بایدن روز جمعه اعلام کرد که رابرت مالی، یکی از اعضای اصلی تیم باراک اوباما رئیس‌جمهور اسبق امریکا در جریان توافق قدرت‌های جهانی با ایران در سال ۲۰۱۵ را به‌عنوان نماینده ویژه در امور ایران منصوب کرده است. در دولت دونالد ترامپ ابتدا بریان هوک و سپس الیوت أبرامز، دیپلمات محافظه‌کار، نماینده ویژه امریکا در امور ایران بودند. طی روزهای اخیر به دنبال گمان زنی در خصوص انتصاب رابرت مالی، شماری از جمهوریخواهان در کنگره و طرفداران سیاست سختگیرانه در قبال جمهوری اسلامی ایران از این اقدام به شدت انتقاد کرده و از دولت جدید امریکا خواسته بودند وی را به این سمت منصوب نکند. اما به رغم این درخواست‌ها، جن ساکی، سخن‌گوی کاخ سفید روز جمعه

کرده است که هنوز سازوکاری برای حل اختلاف ایران و امریکا بر سر بازگشت به برجام ارائه نشده است. از سوی دیگر، به رغم تداوم اختلاف ایران و امریکا بر سر چگونگی بازگشت به برجام، امانوئل مکران رئیس‌جمهوری فرانسه روز جمعه گفت که هر مذاکره جدیدی با ایران درباره برجام «بسیار سختگیرانه» خواهد بود و در این مذاکرات باید عربستان نیز دخیل باشد. دو هفته پیش مقام‌های سیاسی وزارت خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان برای مذاکره درباره برجام به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس سفر کرده بودند تا در خصوص مشارکت‌ها این کشورها در مذاکرات برجام رایزنی کنند. بر اساس توافق هسته‌ای بین ایران و شش قدرت جهانی موسوم به برجام در سال ۱۳۹۴، ایران پذیرفت بسیاری از فعالیت‌های اتمی خود را متوقف کند و در مقابل، تحریم‌های بین‌المللی علیه آن لغو یا تعلیق شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق امریکا، در اردیبهشت ۱۳۹۷ با خروج از برجام، خواستار توافق گسترده‌تری با ایران بود که بتواند علاوه بر اصلاح این توافق، فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه موشکی ایران را نیز در بر بگیرد. در همین راستا، دولت دونالد ترامپ برای آوردن ایران به پای میز مذاکره از سال ۲۰۱۷ با سیاست «فشار حداکثری» تحریم‌های گسترده‌ای را علیه تهران اعمال کرده است. در مقابل جمهوری اسلامی ایران از مذاکره با دولت ترامپ خودداری کرد و در واکنش به تحریم‌های امریکا از نیمه اردیبهشت ۹۸، هم‌زمان با سالگرد خروج دولت دونالد ترامپ از برجام، طی مراحل گوناگون از تعهداتش در چارچوب برجام عدول کرده است.

هسته‌ای» ایران است.

جو بایدن، رئیس‌جمهوری امریکا در خصوص رویکرد واشینگتن در قبال برجام گفته است، در صورتی که ایران تعهدات خود در چارچوب این توافق را اجرا کند، آنگاه ایالات متحده نیز به این توافق باز خواهد گشت. اما مقام‌های ایران می‌گویند، این امریکا است که می‌بایست ابتدا تعهدات خود در چارچوب برجام را اجرا کرده و تحریم‌ها را لغو کند تا تهران نیز تعهداتش را دوباره اجرا کند. در حالی رابرت مالی با مقام‌های سه کشور اروپایی رایزنی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی	zaki.daryabi2@gmail.com
سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی	۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش	
گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی	
مترجم: جلیل پژواک	
ویراستار: شیر مهریار	
صفحه آرا: رضا مظفری	
ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا	شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com	
آدرس: کابل، کارته‌سه	شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷
توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲	mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

خبرکوتاه

سوارس دومین بازیکن
تاثیرگذار دوران سیمئونه

هواداران مهاجم اروگوئه ای را دومین بازیکن تاثیرگذار دوران سرمربی آرژانتینی در اتلتیکومادرید می دانند.

به نقل از موندو دپورتیوو، اتلتیکومادرید، باشگاه و هواداران از عملکرد خرید بزرگ تیم در فصل نقل و انتقالات تابستانی خوشحال هستند. از لوییس سوارس صحبت می کنیم که مهره کلیدی برای اتلتیکو صدرنشین لالیگا به حساب می آید. گل های مهاجم اروگوئه ای به خصوص در بازی های اخیر برای روخی بلانکو حیاتی بودند چون پیروزی یا تساوی را برای این تیم به ارمغان آوردند.

سوارس بهترین گلزن کنونی این فصل
لالیگا در کنار این

نصیری با ۱۲ گل است. او تنها به ۱۸ ضربه در چارچوب نیاز داشت تا بتواند این تعداد گل را به ثمر برساند یعنی ۶۶ درصد ضرباتش موثر بودند. مهاجم اروگوئه ای بهترین شروع را در دوران ورزشی اش داشته است. نه در لیورپول، نه آژاکس، نه خرونینخن و یا بارسا نتوانسته بود در ۱۵ بازی نخست این تعداد گل به ثمر برساند.

بر اساس نظرسنجی موندو دپورتیوو در دوران دیگو پابلو سیمئونه در اتلتیکو تنها یک بازیکن تاثیرگذارتر از سوارس بوده است. کاربران این سایت رادامل فالکائو را بالاتر از مهاجم اروگوئه ای دیدند. در فصلی (۱۲-۲۰۱۱) که سرمربی آرژانتینی از نیم فصل هدایت قرمز و سفیدپوشان را بر عهده گرفت فالکائو فوق العاده عمل کرد، ۳۶ گل به ثمر رساند و چهار پاس گل داد. او شش بار دبل و دو هت تریک کرد.

فالکائو ۵۱.۸ درصد آرا را به خود اختصاص داد و سوارس با ۳۷.۶ درصد در جایگاه دوم قرار گرفت. بازیکن بعدی فرناندو تورس است که با ۴.۵ درصد در رتبه سوم دیده می شود. تنها نباید به این آرا بسنده کرد. باید عملکرد سوارس را هم در نظر گرفت. او میانگین ۰.۷۹ درصد گل در هر بازی را به ثبت رسانده و بالاتر از ۰.۸۲ درصد فالکائو قرار دارد. مهاجم اروگوئه ای آمار بهتری نسبت به دیگو کاستا و آنتوان گریزمان به ثبت رساند.

فیفا قاطعانه برخورد کند و دادگاه عالی دآوری ورزشی نیز در چنین مواقعی از دخالت و صدور رای ابایی ندارد.»

از مائوریسیو پوچتینو، سرمربی پاری سن ژرمن، نیز راجع به احتمال امضای قرارداد با مسی سوال شد و او پاسخی دیپلماتیک برای این پرسش داشت.

پوچتینو گفت: «من هر چه که بگویم اشتباه برداشت خواهد شد. من هر چه که اینجا دارم را دوست دارم. بازیکنان بزرگ در هر لیگ و در هر تیمی جا می افتند و مناسب خواهند بود.»

من به بازیکنانی که متعلق به تیم های دیگر هستند احترام می گذارم، چون دیگر تیم ها ممکن است خشمگین شوند و من درک می کنم که چرا.

ما می دانیم که در جهان فوتبال قدیسین وجود ندارند؛ هیچکس نمی تواند از باشگاهی شکایت داشته باشد که چرا تلاش می کند تیم اش را پیشرفت دهد و بهتر کند. اما این صحبت من حاوی یک پیام پنهان از سوی ما نیست!»

PSG برای خرید مسی باید فرپلی مالی را زیر پا بگذارد

ادعا کرده که در صورت نشستن پشت میز ریاست بارسلونا، قادر خواهد بود تا لیونل مسی را در نو کمپ نگه دارد.

لاپورتا PSG را متهم به بی احترامی در صحبت هایشان راجع به مسی کرده و تهدید کرده که درباره این موضوع به فیفا گزارش خواهد داد. تهدیدات لاپورتا حالا دو چندان شده است!

خوان لاپورتا گفت: «من صحبت های آنها را نامناسب و ناجور یافته. این صحبت ها بی تجربگی آنها را در این سطح نشان می داد. آنها هنوز باید خیلی چیزها در جهان فوتبال یاد بگیرند!»

من نمی دانم این واکنشی غریزی است یا مشکل در برقراری ارتباط. شاید بتوانند با مسی قرارداد امضا کنند... اگر همچنان فرپلی مالی را زیر پا بگذارند! تا جایی که من می دانم آنها سال گذشته ضررهای قابل توجهی داشته اند. کنجاکوم بدانم آیا آنها فرپلی مالی را برای به خدمت گرفتن مسی زیر پا می گذارند.

اگر چنین اتفاقی بیافتد امیدوارم یوفا و

که به دنبال امضای قرارداد با لیونل مسی است، به سختی انتقاد کرد و گفت: «شاید PSG بتواند مسی را بخرد اگر همچنان فرپلی مالی را زیر پا بگذارند!»

لاپورتا که قبلا هم سابقه ریاست بارسلونا را دارد، امیدوار است که در انتخابات آتی این باشگاه در ماه حوت، مجدداً برای این سمت انتخاب شود. صحبت های لئوناردو، مدیر ورزشی PSG، لاپورتا را به شدت عصبانی کرده و موجب شد تا او هم جوابی آتشین بدهد.

لئوناردو گفته بود: «بازیکنان بزرگی مانند مسی همواره در لیست خرید PSG خواهند بود، البته الان زمان مناسبی برای صحبت یا حتی خیالپردازی راجع به این موضوع نیست. اما ما هم پشت آن میزی نشسته ایم که باشگاه های بسیاری دور آن حضور دارند و وضعیت مسی را با دقت دنبال می کنند. البته نه، ما هنوز پشت آن میز ننشسته ایم، اما محض احتیاط صندلی ما پشت آن میز رزرو شده است!» لاپورتا در تبلیغات انتخاباتی خود پیوسته



خوان لاپورتا، کاندیدای ریاست بارسلونا در آخرین اظهارات خود طعنه سنگینی به مدیران PSG زده و این تیم را تهدید به شکایت کرده است.

خوان لاپورتا که بیشترین بخت را برای نشستن پشت میز ریاست کاتالان ها دارد، در آخرین اظهارات خود، پاسخ صحبت های مدیر ورزشی PSG را به تندى داده است. لاپورتا بار دیگر از باشگاه پارسی

سولسشر تکیه بیش از حد یونایتد به فرناندز را رد کرد

نمی توانند بدون! او اینجا حلقه ای از زنجیر است و من مطمئنم که برونو هم خواهد گفت که از هم تیمی هایش و کمکی که آنها در طول بازی به او می کنند، سپاسگزار است.

از روز اول که او به تیم آمد، خواست که در اطراف اش تاثیرگذار باشد، در محیط بازی یا روی کارکنان تیم.

و انسانی بسیار فروتن و سختکوش است و فکر می کنم همه دیده اند که در زمین چه کارهایی می کند. من از سال اول او در این تیم بسیار راضی ام و امیدوارم این

وابسته است. سولسشر گفت: «برونو به اولدترافورد آمد و به تیم کمک کرد. او در زمانی به تیم اضافه شد که ما به بازیکنی مانند او بسیار نیاز داشتیم و برونو هم به تیمی آمد که ویژگی ها و مهارت های او را شکوفا کرد و به ثمر رساند.

برونو به تیمی آمد که برای اش مناسب بود و او نیز مناسب این تیم است. این موضوع متقابل است؛ اگر بازیکنان ندوند، برونو نمی تواند پاس هایش را بفرستد، اگر برونو پاس ندهد، بازیکنان

سرمربی منچستر یونایتد با رد ادعای تکیه بیش از حد این تیم به برونو فرناندز، گفت که تیم مناسب این بازیکن و او مناسب تیم است.

برونو فرناندز ۲۶ ساله از زمان پیوستن به شیاطین سرخ برای این تیم هم گلزنی کرده و هم گل های بسیاری را ساخته است، اما سولسشر می گوید که فرناندز فقط یکی از حلقه های زنجیر منچستر یونایتد است.

فرناندز از زمان پیوستن به شیاطین سرخ در جنوری گذشته، تبدیل به ستاره این تیم شده است. او هم در تعداد گل (۱۱) و هم در تعداد پاس گل (۷)، برترین بازیکن این تیم در لیگ برتر بوده و در چمپیونزلیگ نیز ۴ گل دیگر برای شیاطین سرخ زده و یک پاس گل را نیز به نام خود ثبت کرده است.

فرناندز نقشی کلیدی در اوج گیری دوباره منچستر یونایتد و تبدیل شدن این تیم به یکی از مدعیان جدی قهرمانی در لیگ برتر دارد، با این وجود سرمربی شیاطین سرخ معتقد است که فرناندز نیز همانقدر که هم تیمی هایش به او نیاز دارند، به آنها



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت امور سرحدات وقبايل



ریاست تدارکات
آمریت تدارکات

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د سرحدونو او قبايلو چارو وزارت

موضوع: اعلان داوطلبی تدارک تیل دیزل، پترول، روغنیا و فلترباب
شماره دعوت به داوطلبی: (MOBTA/1400/NCB/OPT/G.002).

وزارت امور سرحدات و قبايل از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید، تا در پرسه تهیه و تدارک تیل دیزل، پترول، روغنیا و فلترباب این وزارت بابت سال مالی ۱۴۰۰ اشتراک نموده، ضم آفر خویش جواز فعالیت و شرایط اهلیت مندرج شرطنامه را مد نظر گرفته و آفرهای سر بسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه به لسان (دری و یا پشتو) طبق قانون و طرز العمل تدارکات عامه افغانستان از تاریخ نشر اعلان الی (۲۱) روز ارایه نماید. توزیع شرطنامه و تسلیمی آفرها الی ساعت (۰۹:۳۰) بجه قبل از ظهر (۲۱) یوم بعد از نشر اعلان که آخرین معیاد ضرب الاجل تسلیمی آفرها می باشد صورت میگیرد آفرهای دیر رسیده و انترنتی پذیرفته نمی شود.

تضمین آفر مبلغ (۴۱۷۰۰۰۰) چهار صد هفده هزار افغانی بوده که داوطلبان آنرا به شکل گرننتی بانکی در داخل آفرهای سر بسته خویش ارایه بدارند. داوطلبان واجد شرایط می توانند شرطنامه را به شکل سافت در فلش از آدرس ذیل اخذ نمایند.

آدرس: ناحیه ۹، ریاست تدارکات منزل تحتانی وزارت امور سرحدات و قبايل مکروریان سوم جوار ستره محکمه، کابل افغانستان.

نوت: در صورتیکه تاریخ معین شده برای تسلیمی آفرها به روز رخصتی تصادف نماید آفرها در روز بعدی کاری در همان ساعت تعیین شده تسلیم و باز گشایی خواهند شد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



غیر متعارف از زبان دارد که اصلاً جزء مسئولیت زبان نمی‌باشد. از طرفی، جدایی از این تعارض، میتافیزیکال‌سازی در همچون موارد، امر معمول است. چنان‌که فرقه‌های مذهبی دیگر، بدون گله‌مندی از زبان، رفتارشان را قدسی‌سازی کرده اند و می‌کنند.

یکی از رقیبان بزرگ درون‌دینی تصوف، فقه است. هردو از گزاره‌ی زبانی استفاده می‌کند. فقه هم ابزاری غیر از زبان در اختیار ندارد. اما چرا در تحقق برنامه‌هایش با تصوف موفق بوده است؟ چون، میکانیسم انتقال تجربه‌های فقیهانه، در مقایسه با تصوف، کاربردی و آسان است. انتقال تجارب فقهی، به سادگی امکان‌پذیر است. چگونه وضو بگیرد، در نماز رو به کجا بایستد، نصاب مالش به چند که رسید باید زکات بدهد،

سهم بدهد و حج برود و مسائل از این قرار. حال آن‌که هم تصوف و هم فقه، مبتنی بر توصیه است و زبان هردو، زبان امر و نهی اند. هردو تعمیم‌دهنده‌ی انگاره‌ی مردم جاهل اند. هردو دانایی را در انحصار خود می‌دانند. در بیت‌های فوق مولوی، اگر به‌جای تصوف، فقه را بگذاریم تغییری در معنای بیت‌ها به وجود نمی‌آید. هردو، عین موضع خصمانه با فلسفه و دیگر علوم عقلی را دارد. لذا، تفاوت فقه و تصوف، در موفقیت و عدم موفقیت‌شان، در میکانیسم انتقال توصیه می‌باشد.

در کل توصیه، بخش کوچکی از مسائل را حل می‌کند. توصیه با مسائل سروکار دارد تا مشکلات. چون مشکلات رفع‌کردنی است و مسائل حل‌کردنی. رفع مشکل، کار عملی می‌خواهد و حل مسأله، بازی زبانی است. بخشی از مشکلات جامعه، ریشه در نادانی دارد. حال آن‌که مردم بسیاری از مشکلات‌شان را می‌دانند اما امکانات برای رفع آن ندارند. در همچون موقع‌ها، نیاز نیست ما به مردم آگاهی بدهیم بل‌که باید به آنان رسیدگی کرد تا مشکل برطرف گردد. چون مشکلات جامعه، تنها در ندانستن ریشه ندارد بلکه در نداشتن نیز ریشه دارد.

تفاوت علم با ادبیات و تصوف در همین نکته است. علم با ابزارهایی که در دست دارد انتقال تجربه می‌کند. تکنولوژی، ابزارهای نیرومند انتقال تجربه اند. اما در جهان ادبیات، فقط زبان است که به‌عنوان تنها منبع انتقال توصیه، عمل می‌کند. اما علم، هم زبان و هم تکنولوژی را در اختیار دارد.

وقتی در جهان صوفیانه، زبان تنها گزاره‌ی انتقال توصیه هست نکته‌ی بعدی این می‌باشد که میکانیسم تطبیق این توصیه‌ها در چنین جهانی، چه چیز می‌تواند باشد؟ پاسخ این پرسش را با دو مثالی از مثنوی مولوی، دریافت خواهیم کرد.

ادامه دارد...

جالب است که فعلاً ما چیزی که از صوفیان داریم همین سواد حرف است نه آثار قدم. مثنوی، منطق‌الطیر، حدیقه... سواد حرفند نه نشانه‌هایی راه. پس ما با نشانه‌های تجربی صوفیان سروکار نداریم بلکه با نشانه‌های زبانی صوفیان سروکار داریم. این نشانه‌های زبانی، گزاره‌هایی برای توصیه‌های متصوفان اند تا تجربه‌های‌شان. در این‌جا، ما با دو امر مشکل روبه‌رویم. اول، نفس تجربه‌ی صوفیانه و دوم، اشکال در نحوه‌ی انتقال این تجربه‌ی دشوار.

میکانیسم انتقال تجربه در جهان صوفیانه، تقریباً مدلول بی‌نشان است. زیرا، این میکانیسم، در گزاره‌ی زبانی، آن هم تحت شرایط بسیار دشوار، استثنا، انحصارگرایانه و ریاضت‌طلبانه مطرح شده است. صوفیان، برای انتقال تجارب عملی‌شان، ابزاری غیر از زبان نداشته‌اند. یا بهتر است بگوییم از ابزاری بهتر از زبان استفاده نکرده‌اند یا نتوانسته‌اند استفاده کنند. به همان دلیل از زبان، سخت گله‌مند بوده‌اند که در انتقال تجربه ناکامند. این سخن، درست هم است. چون کار زبان، انتقال تجربه‌ی عملی نیست.

منتها صوفیان، این ضعف زبان را در مقابل تجارب‌شان، چنین پنداشتند که گویا زبان، پدیده‌ی زمینی و مادی هست و تجارب و دیگر تمرین‌های آنان، قدسی و معنوی. حال آن‌که هردو، ریشه‌ی زمینی دارند و جزء هستی انسان است. ولی ظرفیت زبان، چیزی غیر از انتقال تجربه می‌باشد. اگر زبان، مجرای برای تمام اعمال انسان، اکتشافات و اختراعات او می‌بود پس نیازی به رشته‌های ورزشی، آموزش‌های عملی یوگا و تکنولوژی نمی‌بود. چون همه را از طریق زبان می‌شد منتقل کرد.

مثلاً به جای صوفی اگر یک ورزش‌کار، تکنیک‌ها و حرکات‌های بدنی خود را به عوض آن‌که با حرکات بدن نمایش بدهد و به کسی غیر از خود بیاموزاند کوشش کند با زبان توضیح بدهد و منتقل کند، عین اتفاقی می‌افتد که برای صوفی افتاده است. در حالی که در این‌جا بحث قدسی‌بودن و معنوی‌بودن رفتار ورزش‌کار در میان نیست. بنابراین، میتافیزیکال‌سازی تمرین‌های صوفیانه، ریشه در ماهیت رفتار آنان ندارد. در عوض، تعارضی هست که بین این رفتارها و زبان، در امر انتقال آن به دیگری، اتفاق افتاده است. این تعارض باعث شده، تا صوفیان فکر کنند رفتارهای صوفیانه‌ی آنان از جنس دیگرند و زبان از برتافتن آن عاجز. فراموش نکنیم که هر تمرین بدنی‌ای، تغییرات روانی فرد را نیز، به همراه دارد و هر تغییر روانی، قدسی و وحیاتی نیست.

تمام آن تعبیرهایی «دقت صوفی سواد حرف نیست»، دقت صوفی چون برف سفید است، «یک دهان خواهیم به پهنای فلک» و این همه نالیدن از ناتوانی زبان، ریشه در همین خواست

مکن را دارد. پرتنگ‌ترین صنعت در زبان توصیه، صنعت تضاد می‌باشد. آن‌طور که پرتنگ‌ترین صنعت در ادبیات ستایشی اغراق است.

نگاه در زبان توصیه‌ای، استوار بر ندانستن است. تصور غالب این است که مردم نمی‌دانند و اگر بدانند مشکلات حل می‌شود. درست است که مشکل اصلی ندانستن است اما پرسش این است که مردم چه چیز را نمی‌دانند؟ در این‌جا توصیه‌کننده تصور می‌کند که منبع دانایی فقط خود اوست و هرکسی که دانستی‌هایی او را ندانست در نادانی به‌سر می‌برد.

لذاست که توصیه‌کننده برای دانایی، ظرف و محدوده قابل می‌شود و این ظرف، خود اوست. خود او نیز محصور بر یک ظرف دیگر است. این ظرفی که خود توصیه‌کننده را محدود می‌کند ممکن دین یا مذهبی باشد که او به آن معتقد است، یا فرقه‌ای باشد که او بدان معتقد است، یا رشته‌ای از رشته‌های علمی‌ای باشد که او بدان تسلط دارد و یا هم مجموعه تجربه‌های محدود باشد که فرد در طول زمان کسب کرده است. در این میان، پیمانه‌ی متصوفان توصیه‌گر، دین و جهان صوفیانه‌ی شان بوده می‌تواند. هرکه در دینی که آنان به آن معتقد بودند نمی‌بود و مانند آنان جهان را از پنجره‌ی تصوف نمی‌دید نادان بود و دانایی نیز در همین محدوده، خلاصه می‌شد.

دانایی در نزد صوفیان، فلسفه نیست چون: «کاف کفر اینجا به حق‌المعرفه دوست‌تر دارم ز فای فلسفه». (عطار، ۱۳۹۳: ۴۲۹) دانایی در نزد آنان علوم هندسی، طبابت و نجوم هم نیست. زیرا: «خرده‌کاری‌های علم هندسه/یا نجوم و علم طب و فلسفه/که تعلق با همین دنیاستش/ره به هفتم آسمان بر نیستش/این همه علم بنای آخر است/که عماد بود گاو و اشتر است/بهر استبقای حیوان چند روز نام آن کردند این گیجان رموز». (مولوی، ۱۳۷۸، دفتر چهارم: ۶۲۲) این دانایی‌ها، برای پرکردن آخور حیوانیت آدمی است و تعلق دنیایی دارد. چیزی که به این دنیا تعلق داشته باشد، به آسمان هفتم راه ندارد. این علوم را برای بقای حیوانات بنا نهاده اند و صاحبان این دانایی‌ها، گیج‌اند و از سر گیجی، نام آن را رمزها گذاشته‌اند.

دانایی در نزد صوفیان، جهان‌شناسی صوفیانه هست. جهان‌شناسی‌ای که تهی از سواد حرف است و چون برف سفید. حرف و قلم، مال دانشمند است. زاد صوفی، نشانه‌های پای اوست که طی طریق نموده است. «دقت صوفی سواد حرف نیست/جز دل اسپید همچون برف نیست/ زاد دانشمند آثار قلم/ زاد صوفی چیست آثار قدم». (همان، دفتر دوم: ۱۸۷) روی این جهت، دنبال کردن «آثار قدم» صوفیان، برای هرکسی ممکن نمی‌باشد. این تجربه و راه‌حل، تعمیم دانش محال است. تجربه‌ی اول و آخر است.



راه‌حل‌های تعمیم‌ناشونده و شکست‌خورده (۱)

محمد موسا شفق

این سه عارف تجربه کرده باشند اما در گزاره‌ی زبانی، چیزی از خود یادگار نگذاشتند تا توان آن را نداشتند که به کمک زبان انتقال تجربه نمایند. از این‌رو چنین افراد امروز گم‌نام‌اند.

متن، مجموعه‌ای از میراث زبانی است که در طول قرن‌ها روی هم انباشته شده‌اند و برای ما رسیده است. کردار انسان‌ها در طول تاریخ، از طریق زبان‌شان یا به گونه‌ی شفاهی و یا به گونه‌ی متن به ما انتقال یافته‌اند.

حال می‌ماند میکانیسم اجرایی توصیه‌های متن‌محور. پیش از آن‌که به این موضوع پرداخته شود انواع توصیه را مرور می‌کنیم. توصیه سه حالت دارد.

۱. من همه چیز می‌دانم. در چنین حالتی، توصیه‌کننده فکر می‌کند دانای کل هست. همه چیز را می‌دانند. وقتی فرد دچار چنین تصویری از خود شد دیگران را نادان فکر می‌کند و جهالت را در سطح جامعه تعمیم می‌دهد.

مهم‌ترین آفت نخه‌محوری، همین نکته است. نخبگان، وقتی در مرحله‌ی توهم دانای کل بودن رسید مردم را نادان تصور می‌کنند و تعمیم نادانی برای مردم، او را بی‌پروا می‌سازد. هرچیزی که دلش شد می‌گوید و هر نسخه‌ای که به مذاقش خوش خورد، تجویز می‌کند. فکر می‌کند اگر کیمیاگری او نباشد، همه هلاک خواهد شد.

۲. من ناتوانم. در این حالت، توصیه‌کننده می‌داند که توصیه‌هایش کارساز نیست. اما امکاناتی غیر از این ندارد. بنابراین، نصیحت‌گر در موقف دانا به ناتوانی خویش، به خاطر موقعیت و حب ذات، دست از توصیه برنمی‌دارد و باز هم، این دانای ناتوان، به مردم امر و نهی می‌کند.

۳. من سرگرم می‌کنم. در این مرحله، توصیه‌کننده خوب می‌داند که توصیه‌های او در حد گفتار درمانی هم کارساز نیست. اما باز هم به خاطر حفظ جای‌گاه خود از آخرین فرصت نیز استفاده می‌کند. تفاوت حالت سوم با حالت دوم در این است که در حالت دوم، نیت توصیه‌کننده صادق است. اما در حالت سوم، نوعی ترفند و بازی با احساسات مردم، دخیل می‌باشد. زبان توصیه‌ای، متضاد است؛ حالت این بکن آن

متن‌های ادبیات فارسی دوره‌ی سبک عراقی به گونه‌ی مشخص و در کل متون ادبیات فارسی، در کنار ابعاد زیبایی‌شناختی، پهلوهایی کاربردی نیز دارند. این بعد کاربردی، همان راه‌حل‌هایی‌اند که در مواجهه با مشکلات، برای انسان پیشنهاد شده است. آن‌گونه که مشکلات، در گذر زمان بیشتر می‌شوند و ابعاد تازه به خود می‌گیرند راه‌حل‌ها نیز متناسب با آن، متعدد می‌شوند تا پاسخ‌گوی نیازهای زمان حال باشند.

مخرج مشترک ادبیات صوفیانه و حکمی سبک عراقی، در پیشنهادکردن راه حل برای انسان فارسی‌زبان است. هردو برای انسان، توصیه‌هایی دارند و در مقام نصیحت‌گران حافظ، امر و نهی می‌کنند. روی کرد نصیحت‌گرایانه‌ی ادبیات صوفیانه و حکمی، حتا هردو را زیر یک چتر ادبیات توصیه‌ای می‌آورد.

شاید این پرسش، پیش بیاید که ادبیات صوفیانه، محصول تجربه‌ی کشف و شهود صوفیانه است که صوفی آن را عملاً انجام داده و از طریق گزاره‌ی زبانی به دیگران منتقل کرده است. در پاسخ باید گفت ممکن صوفی این تجربه را پشت سر گذرانده باشد ولی برای ما صورت زبانی آن منتقل شده است، نه گونه‌ی عملی آن. یعنی ما با زبان صوفیان سروکار داریم نه با عمل کرد آنان. اهمیت مولوی، عطار و سنایی برای ما به‌خاطر آن میراث زبانی‌ای است که از خود به یادگار گذاشته‌اند. ما چیزی از تجربه‌های عملی آنان نمی‌دانیم که واقعا مراحل شریعت، طریقت و حقیقت را چگونه سپری کرده‌اند.

پس وقتی با تجربه‌ی زبانی آنان روبه‌رو هستیم، یعنی که با مجموعه توصیه‌هایی آنان سروکار داریم، ما چه می‌دانیم که متصوفان، مراحل کشف و شهود را چگونه سپری کردند و آیا اصلاً سپری کردند یا خیر؟ اگر امروز، مثنوی و دیوان کبیر از مولوی، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه از عطار و حدیقه‌الحقیقه و سیرالعباد الی‌المعاد از سنایی نمی‌بود مولوی‌ای، عطاری و سنایی‌ای وجود نمی‌داشت؛ حتا اگر آنان هفتاد مرحله‌ی کشف و شهود صوفیانه را سپری کرده بودند. شاید بودند کسانی که این مراحل را به مراتب بهتر از



درخواست برای ابراز علاقمندی

EXPRESSION OF INTEREST NO. WFP/AFG/SC/EOI/2021/01

دفتر پروگرام غذایی جهان - افغانستان (WFP) در جستجوی شرکت‌های معتبر و ثبت شده ترانسپورتی و ترانسپورتی به منظور ارائه خدمات ذیل می‌باشد:

۱- شرکت‌های ترانسپورتی به منظور انتقال مواد غذایی و غیرغذایی بشر دوستانه از گدام‌های این دفتر واقع در ولایات کابل، مزارشیرف، بدخشان، ننگرهار، هرات و قندهار به دیگر نقاط کشور.

۲- شرکت‌های ترانسپورتی برای تصفیه اسناد گمرکی محموله‌ها از گمرک‌های حیرتان، شیرخان بندر، آقینه، تورغندی، اسلام قلعه، تورخزم و سپین‌بولدک و انتقال آن به دیگر ولایات کشور.

بناء از شرکت‌های علاقمند دعوت به عمل می‌آید تا سند اظهار علاقمندی خود را همراه با جواز، اسناد تجارب کاری، اسناد تصفیه مالیاتی و معلومات حساب بانکی خویش را تحت عنوان ذیل جهت بررسی و طی مراحل بعدی به ایمیل آدرس KABL.PROCUREMENT@WFP.ORG ارسال بدارند. آخرین مهلت الی تاریخ ۱۳ فبروری ۲۰۲۱ مطابق با ۲۶ دلو ۱۳۹۹ ساعت ۴ بعد از ظهر می‌باشد.

REFERENCE: EOI NO. WFP/AFG/SC/EOI/2021/01 FOR TRANSPORTATION AND CLEARING & FORWARDING SERVICES